

عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده

پایان نامه برای

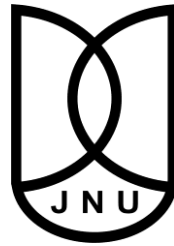
دریافت پیش دکتري زبان و ادبيات فارسي

نگارش

محمد سالم

به راهنمایی

دکتر شیخ اشتیاق احمد



مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادبیات و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو-110067

2016



Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067
Centre of Persian and Central Asian Studies
School of Language, Literature & Culture Studies

Dated: 26th July, 2016

DECLARATION

I hereby declare that the dissertation entitled "*Gender Inequality in the Works of Jamal Zadeh*" submitted by me is an original research work and has not been previously submitted for any other degree of this or any other university/institution.

MOHAMMAD SALIM

(Research Scholar)

CERTIFICATE

We recommend that this dissertation be placed before the examiners for evaluation.

Dr. SK. ISHTIAQUE AHMED

Supervisor

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Dr. Ishfaq Ahmed
Associate Professor
Centre of Persian & Central Asian Studies
School of Language, Literature and Culture Studies
Jawaharlal Nehru University, New Delhi-110067, India

Prof. AKHTAR MAHDI

Chairperson

CP&CAS/SLL&CS/JNU

Prof. Akhtar Mahdi
Chairman
Centre of Persian & Central Asian Studies
School of Language, Literature & Culture Studies
Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067 (INDIA)

خرد هر کجا کنجی آرد پدید

ز نام خدا سازد آنرا کلید

خدای خرد بخش بخرد نواز

همان ناخردمند را چاره ساز

رهائی ده بسگان سخن

توانا کن ناتوانان کن

نهان آشکارا درون و برون

خرد را به درگاه اور، بنمون

به حکم آشکارا به حکمت نهفت

سایند حیران از وقت گفت

(اقبال نامه نظامی)

تقدیم به پدر و مادر

خدا را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و مادرم را برای ما فداکاری ساخته است تا در سایه درخت پر بار وجودشان سایه گرفته ام و از شاخ و برگ آنها نفع گرفته ام و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش هدایت می یابم. مادر و پدر که وجودشان بر سر من تاج افتخار است و وجود آنها بعد از پروردگار مایه هستی من بوده است که دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی که پر از نشیب و فراز است، آموختند. آموزگارانی که برایم زندگی بودن و انسان بودن را توضیح دادند.

و نیز به تقدیم همسر عزیزم که سایه مهربانی او سایه سایر زندگی من می باشد، اسوه صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر زندگی را برای من تسهیل نموده است.

فهرست مطالب

1 تا 5

پیش‌گفتار:

6 تا 35

فصل اول:

سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترشِ نثرِ فارسی

- 9 ● زندگی‌نامه سید محمد علی جمال زاده
- 15 ● شیوه‌نگارش سید محمد علی جمال زاده
- 21 ● داستان‌نویسان معاصر سید محمد علی جمال زاده
- 27 ● سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترش نثر فارسی

36 تا 98

فصل دوم:

اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در قرن بیستم میلادی

- 39 ● اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن بیستم میلادی
- 54 ● اوضاع ادبی ایران در قرن بیستم میلادی

99 تا 127

فصل سوم:

عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده

- 100 ● معرفی عدم مساوات بین مرد و زن
- 107 ● عقاید و نظریات جمال زاده دربارهٔ زنان
- 111 ● بررسی آثار سید محمد علی جمال زاده

128

نتیجه‌گیری:

130

کتابیات:

پیش گفتار



پیش‌گفتار

عدم مساوات و نابرابری جنسیتی که یکی از مسائل مهمی در قرن بیستم میلادی در ایران و نیز در کل جهان تعریف شده است. نویسندگان و سخنوران و روشنفکران آن زمان این موضوع جدیدی را اخذ کردند و همه آن مسائل را در آثارش نشان داده‌اند و نیز برای حل این مسائل خیالات و افکار خودشان را در نوشته‌هایشان توضیح داده‌اند.

قرن بیستم میلادی که با ظهور نویسندگان و روشنفکران جدید و همچنین رواج مطبوعات در میان قشرهای مختلف اجتماع همراه بود. نویسندگان، سخنوران و روشنفکران بحث‌های اجتماعی و سیاسی را به خود اختصاص دادند و برای توسعه و پیشرفت ادبیات انتقادی کمک بسیاری کردند. در میان این عصر رئالیست که به عنوان عصر انتقادی به شمار می‌آید که بیش از هر کشوری در فرانسه نمایان شده است و به بعد در ایران ورود به مکتب ادبی شد که منعکس‌کننده شرایط اجتماعی آن دوران بود.

ایران در دوره قاجار اگرچه یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخ ایران بود اما تأثیری ژرف در ادبیات فارسی از خود به جای گذاشته است. همراه با گسترش انقلاب مشروطه همچنین شکست ایران از روسیه که با بی‌عدالتی، فقر، ناامنی،

فساد، کمبودها و مشکلات اجتماعی همراه بود، وضعیت آشفته علیه حکومت را پدید آورد و بعد از این انقلاب اسلامی هم بود که این تحولات که با بروز مشکلات بسیاری در آن دوره همراه بود، سبب پیدایش اندیشه های آزادی خواهانه در میان مردم شد. پس از این، نویسندگان و روشنفکران ایرانی به این طرف مائل شدند تا برای بیداری و آگاهی مردم از شرایط موجود، سبک نوینی را ابداع و آشنا بکنند و با ساده نویسی و پرهیز از نثرهای مسجع و مقفع، همه طبقه های مختلف را به سوی آشتی با ادبیات رهنمون سازند و تأثیر بسزایی در فرهنگ و هنر این کشور بر جا گذاشتند و ایرانیان را با امیدرهایی از ظلم و جور و آزادی از نابسامانی سیاسی و اجتماعی به تصویر کشیدند.

در همین دوره یکی از برجسته ترین و مشهور ترین شخصیت های فرهنگی و ادبی ایران که به دلیل عمر طولانی اش و حضور در بحران ترین دوره های تاریخی، خود می تواند شاهدی گواه بر سیر تحولات و مشکلات اجتماعی این کشور محسوب شود، **سید محمد علی جمال زاده** می باشد که برای احیای ادبیات فارسی و مخصوصاً در نثر داستان کوتاه کوشش های فراوانی صرف کرده است. او یکی از نویسندگان و مترجمان بزرگ معاصر ایران محسوب می شود که در تاریخ ادبی ایران همواره به عنوان پدر داستان کوتاه زبان فارسی و آغازگر سبک واقع گرایی در ادبیات فارسی دانسته می شود. یکی از عواملی که سبب شد تا سبک نگارش جمال زاده در ادبیات فارسی ایران به عنوان شیوه های نوین مطرح شود، توجه به ساده نویسی و بیان حقایقی از زمانه اش بود در حالی که در کشور

ایران تا آن زمان نوشته‌های پیچیده و انشاهای غامض و عبارات مشکل و نثر مسجع در میان فضل و دانش رائج بود. بنابراین جمال زاده بر آن شد تا از اصطلاحات و تعابیر عامیانه استفاده کند و داستان را برای عوام قابل درک و آسان بسازد.

در واقع پس از تحولات سیاسی و نابسامانی‌های اجتماعی دوران انقلاب مشروطه ایران که در احساس انسان‌ها به صورت جریان ادبی نوینی، تجلی بخش سیر اندیشه‌ها و تخیلات نویسندگان آن عصر نفوذ کرده بود. نویسندگان که در آن زمان برای فرار از رنج‌های زمانه و نابسامانی‌های جامعه پناه برده بودند، تنها جنبه‌های درونی و فردی وقایع آن روزگار را به این طور تصویر کشیده‌اند که تفاوت، عدم مساوات و نابرابری جنسیتی آن روزگار که در جامعه ایران دیده می‌شود در آثارهای خودشان بیان نموده‌اند که یکی از آنها جمال زاده است که او همه این خرابی‌های جامعه را در آثارش به اندازه خوبی نشان داده است و مشکلات و مسائل زندگی را خارج از دنیای او هام و تخیلات، توضیح داده است.

در طی این مقاله عزم بر آن است تا ضمن بیان مقدمه 'عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده' پرداخته شود. ابتدا سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترش زبان فارسی و تفکرات و اندیشه‌های او مد نظر قرار گرفته است. سپس اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در قرن بیستم میلادی ذکر شده است،

در نهایت کوشش بر آن شده است که اوضاع نابسامانی جامعه ایران، تأثیرات افسردگی و خرابی های سرمایه داری، همچنین حضور کم رنگ زنان و محدودیت هایشان در جوامع سنتی که در طی عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده توضیح داده شده است.

تفصیلات ابواب پائین نامه درج ذیل همین طور اند:

فصل اول:

سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترش نثر فارسی

فصل دوم:

اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در قرن بیستم میلادی

فصل سوم:

عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده

در تکمیل این مقاله لازم می بینم که به استاد مشفق و مکرم آقای دکتر شیخ اشتیاق احمد سپاس بگذارم که بدون کمک و راهنمایی آن اتمام این مقاله آسان و سهل نبود، ایشان نه فقط در تکمیل این مقاله راهنمایی کردند بلکه در ضمن این زحمت بسیاری هم کشیدند.

علاوه از این از جمله استادان مرکز مطالعات زبان فارسی و آسیای مرکزی و استادان این دانشگاه متشکرم و ممنون هستم که گاهی گاهی و جابه جابه طرق

مختلف راهنمایی من کرده اند. و نیز برای دوستان عزیزم الفاظ تشکر در خدمت آنها می گزارم که برای اتمام این پایان نامه کمک بسزایی نموده اند و با وجود مصروفیات خودشان همکاری کرده اند.

در آخر تشکر در حق مادر و پدر هم می گزارم که این کار معمولی به دعا و مهربانی و شفقت آنها به پایان رسانده ام که بدون توجه آنها انجام دادن این پایان نامه ممکن نبود.

محمد سالم

310 خوابگاه جیلیم

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو-110067

فصلِ اوّل

سهمِ سیّدِ محمّدِ علیِ جمالِ زاده

در گسترشِ نثرِ فارسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترش نثر فارسی

ادبیات هر سرزمین که آئینه تفکرات، اندیشه‌ها، احساسات و فرهنگ مردم آن زمینه می‌باشد. به همین جهت اگر ما بخواهیم که با زبان، افکار، عقاید و احساسات مردم آن دوره و آن سرزمین آشنا بشویم، باید که مطالعه آثار ادبی آن زمان بپردازیم. زیرا که داستان‌ها، اشعار و آثار هنری هر دوره آئینه‌ای است که اوضاع و احوال آن زمان را منعکس می‌کند.

داستان نویسی که یکی از اصناف ادبیات به شمار می‌آید و از قدیم‌ترین قالب‌های هنری است که از زمان قدیم، انسان آن را به صورت‌های گوناگونی نقل کرده است. داستان در زبان فارسی به معنی قصه، حکایت، افسانه و سرگذشت به کار رفته است. ولی در ادبیات اصطلاحی گوناگون به شمار می‌آید که از آنها رمان، داستان بلند و داستان کوتاه و دیگر اقسام در این صنف شامل‌اند.

داستان کوتاه در دوره جدید یکی از مهم‌ترین صنف از اصناف نثر فارسی به شمار می‌آید و این مثل سایر انواع ادبی، وضع و موقعیت بشری را برای خواننده روایت می‌کند. داستان نویسی که از زمان قدیم در ایران رایج بود و داستان‌های

گوناگون بر موضوع های مختلف نوشته شده اند، گرچه قبلاً زیادتر داستان های بلند نوشته شده اند.

در قرن بیستم میلادی داستان نویس معروف و مشهور آن زمان **سید محمد علی جمال زاده** در این صنف ادبیات کار مهمی انجام داده است و نیز این نوع ادبیات رابه اوج کمال رسانده است و در این نوع تجددرانیز پیدا کرده است که از غرب مأخوذ است.

داستان کوتاه نوعی از ادبیات فارسی است که در این زمینه بسیار نویسندگان طبع آزمایی کرده اند و آن شهرتی رابه دست نیاوردند چنانکه جمال زاده در این زمینه شهرتی پیدا کرده است و نیز آغاز گر سبک جدیدی در داستان نویس فارسی دانسته می شود.

سید محمد علی جمال زاده بانوشتن داستان ها، نثر ادبیات فارسی رابه اوج کمال رسانده است. علاوه از این دیگر کارهای مهمی از او باقی مانده اند که در ادبیات نثر فارسی جایگاه خاصی دارند.

زندگی نامه سید محمد علی جمال زاده

(1892 میلادی تا 1997 میلادی)

نویسنده شهیر ایران سید محمد علی جمال زاده 1309 ش / 13 جنوری 1892 در یک خانواده متوسط و مذهبی در اصفهان چشم به جهان گشود. او فرزند سید جمال الدین واعظ اصفهانی بود، پدرش سید جمال الدین واعظ اصفهانی از واعظان مشهور زمان خود بود و نقش و فعالیت های مهم وی دوران جنبش مشروط خواهی ایرانیان در کتاب های تاریخی اشاره شده است، او در اصفهان زندگی می کرد اما غالباً برای وعظ و خطابت به شهر های مختلف سفر می کرد. همین سبب شد که محمد علی جمال زاده از ده سالگی با پدر خود در برخی از سفرها همراهی او می کرد.

چنانکه جمال زاده در خاطرات خود می نویسد:

..... پدرم (سید جمال الدین واعظ اصفهانی) اصلاً از سادات عامل جیل لبنان است¹..... و متولد همدان بود و در دوره جنبش مشروطیت به سبب وعظ ها و خطابه هایی

¹ خاطرات جمال زاده، جمال زاده، مقدمه تقی زاده، ص: 21.

درباره آزادی و عدالت که با زبانی ساده برای آگاه

ساختن مردم بیان کرد که شهرتی به دست آورده بود.

جمال الدین واعظ اصفهانی در سال 1321 ش بعد از وفات پدرش برای تحصیل علم با همراه مادرش به تهران مهاجرت کرد و بعد از چندین مدت از تهران به اصفهان مهاجرت کرد و همین جا مقیم شد و با دختر میرزا حسن باقر خان که از اعیان اصفهان بود، ازدواج کرد. و جمال زاده تحصیلات مقدماتی خود را در تهران فراگرفت. در سال 1325 ش پدرش او را برای تحصیلات بعدی به لبنان فرستاد و آنجا در مدرسه کشیشهای فرانسوی 'لازاریست' تحصیلات خود را ادامه داد.

جمال زاده تقریباً دو سال در بیروت زندگی کرد و بعد از آن اقامت کوتاهی در قاهره در سال 1327 ش به پاریس رفت و از آنجا به شهر لوازن (سویس) رفت و آنجا برای پرداختن تحصیل در رشته حقوق ثبت نام کرد و ادامه داد. سپس تحصیلات خود را در شهر دیوژون ادامه داد و در رشته حقوق لیسانس گرفت، و همین سال بود که بعد از تکمیل لیسانس در رشته حقوق، ازدواج کرد. همسر اول جمال زاده زنی بود که نام ژوزفین دارد که هیچ گاه به آئین و اعتقادات جمال زاده روی خوش نشان نداد و سرانجام به اثر بیماری استسقاء در گذشت.

با شروع جنگ جهانی اول گروهی از روشن فکران ایرانی در برلن گرد آمدند و یک کمیته بنام 'کمیته ملیون ایرانی' را تشکیل دادند. جمال زاده در سال 1322 ش به آلمان رفت و به این کمیته پیوست و در همان سال جمال زاده از طرف کمیته

مامور شد که بغداد و کرمانشاه و تهران سفر کند، چنانچه از طریق بغداد به کرمان شاه و تهران رفت و پس از توقف کوتاه دوباره به برلن بازگشت و چندی بعد وی در برلن با نشریه 'کاو' که به کوشش سید حسن تقی زاده و دیگران تاسیس شده بود به همکاری پرداخت و با انتشار مقاله خود در ادبیات فارسی سهم خود را درج کرد.

پس از پایان جنگ جهانی اول و تعطیل نشر 'کاو' به علت مسائل مالی، جمال زاده در سفارت ایران در برلن منصب مترجمی پرداخت و مدتی نیز سرپرست دانشجویان ایرانی مقیم آلمان شد. در همین سالها با نشر چند دیگر از جمله نامه فرهنگستان و علم و هنر همکاری می کرد. ولی این نشریات به علل مختلف تعطیل شدند. داستان های اولیه جمال زاده در همین رساله منتشر می شوند.

After financial difficulties forced Kava to close down, Jamalzada found himself a job in the Persian Embassy in Berlin. He spent a couple of years there looking after the welfare of Iranian Students sent to Germany on government scholarships. In the meantime, apart from contributing to a student paper called Farangistan, he and some friends set up a magazine, Ilm u Hunar ("Science and

Art”)... several of his earlier short stories were first published there.²

پس از چند سال زندگی کردن در آلمان جمال زاده به سوئیس رفت و در سال 1310 ش / 1931 م در دفتر بین المللی ژنوا استخدام کرد و در همین سال ها برای دومین بار ازدواج کرد. و همسر دوم او زنی آلمانی الاصل بود و نام مارگرت اگرت داشت و ازدواج او با جمال زاده به طور اسلامی بود. این زن بنا به قول جمال زاده مسلمان شده بود، و اسمش را فاطمه گذاشته بود.

سید محمد علی جمال زاده داستان نویس پیش گام معاصر ایران و پدر داستان کوتاه زبان فارسی و آغازگر سبک واقع گرایی در ادبیات فارسی، نویسندگی را با روزنامه نگاری آغاز کرد و تا پایان عمر تقریباً دو بیست مقاله در نشریات به چاپ رسانید.

نخستین اثر جمال زاده که دوران اقامتش در آلمان درباره مسائل سیاسی و بین المللی نوشت کتاب 'گنج شایان' یا 'اوضاع اقتصادی ایران' بود که در سال 1335 ش به چاپ رسیده بود و نیز این کتاب به وسیله فرانتس اوپنهاایمر، که یکی از اقتصاددان آلمانی بود به زبان آلمانی ترجمه شده است ولی نابسانی زمانه این ترجمه آلمانی به چاپ نرسید و همین طور کتاب دیگری که به پایه تکمیل نرسیده است 'تاریخ روابط ایران و روس' است ولی بخشی از آنها به صورت

² Modern Persian Prose Literature, H. Kamshad, Cambridge 1966, P: 94

مقالاتی در مجله 'کاوه' چاپ شده‌اند. دیگر کتاب‌های سیاسی و اجتماعی او درج ذیل‌اند:

'آزادی و حیثیت' 1338ش، 'خاک و آدم' 1340ش، 'زمین، ارباب و دهقان' 1341ش، 'خلفیات ما ایران' 1345ش و 'تصویر زن در فرهنگ ایران'.

نخستین داستان جمال زاده 'فارسی شکر است' اولاً در روزنامه 'کاوه' انتشار یافت و بعداً در مجموعه 'یکی بود و یکی نبود' انتشار یافت. این داستان عموماً بعنوان نخستین داستان طنز انتقادی که به شیوه غربی است به شمار می‌آید.

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نوآر که نور احلاوتیست دگر³

این داستان (فارسی شکر است) پس از هزار ساله از نثر نویسی فارسی نقطه عطفی برای سبک جدیدی به شمار می‌رود. و همین طور در همه داستان‌های او این روش دیده می‌شود و هدف اصلی او این بوده است که کلمات و تعبیرات عامیانه و متداول در زبان فارسی آن روزگار در نوشته‌های خود به کار برده است و آنها را با طبیعت و ذوق خوانندگان نزدیک کرده است.

جمال زاده با انتشار اولین مجموعه داستان‌های کوتاهش 'یکی بود و یکی نبود' به شهرت رسید. این مجموعه شامل یک دیباچه و شش داستان‌های کوتاه است

³ فرخی سیستانی

که به نظر بسیاری از منتقدین مهم ترین از آثار جمال زاده است که او را بعنوان نویسنده پیش گام در میان داستان نویسان معاصر شناسانده اند.

سید محمد علی جمال زاده را از احیاگران نثر فارسی به شمار می آورند که با مجموعه داستان های کوتاه 'یکی بود یکی نبود' نثر دوره مشروطیت به سر می آید و عرضه جدیدی به نام داستان کوتاه به روی ادبیات فارسی گشوده می شود. 'چاپکین' خاورشناس معروف روسی درباره جمال زاده و کتاب او 'یکی بود و یکی نبود' می نویسد:

تنها یکی بود و یکی نبود است که مکتب و سبک رئالیستی در ایران آغاز یافت و همین سبک و مکتب است که در واقع شالوده جدید ادبیات داستانسرای در ایران گردید و فقط از آن روز به بعد می توان از پیدایش نول و قصه و رمان در ادبیات هزار ساله ایران سخن راند.... جمال زاده نویسنده ای است که با بهترین نول نویسهای اروپا در یک ردیف است و از آن گذشته وی از عهده وظیفه بسیار مشکلی بر آمده است، و آن این که روح و فرهنگ نثر اروپایی و نیروی تجسم و بیان بدیع آن را در قالب دو هزار ساله فارسی در آورده است.⁴

⁴ شرح مختصر ادبیات فارسی، ک.ای. چاپکین، ص 320 (منقول از از صباتانیماس: 280)

جمال زاده غیر از داستان نویسی دیگر فعالیت های گوناگونی داشت مثلاً ترجمه نگاری و نقد و پژوهش ادبی را نیز انجام داده است. علاوه بر این مقدمه جمال زاده بر کتاب 'یکی بود و یکی نبود' در ادبیات سند مهم و در واقع بیانیه نثر معاصر فارسی است. در مقدمه این کتاب جمال زاده موکداً بیان می کند که کار بردن ادبیات مدرن نخستین بار در فرهنگ عامه و سپس انعکاس مسائل و واقعیت های اجتماعی است.

سید محمد علی جمال زاده تقریباً یک صد و شش سال زندگی کرد و زیاد تر از زندگی خود بیرون از ایران گذرانده است تا آن که به روز هفدهم آبان 1376 شمسی / 1997 میلادی در شهر ژنو این دارفانی را وداع گفت.

شیوه نگارش جمال زاده:

جمال زاده به داستان نویسی غربی و عناصر داستانی توجه داشته است. در حقیقت محققان انتشار 'یکی بود و یکی نبود' را حادثه ادبی و طلیعه ادبیات ایران دانسته اند. جمال زاده نسبت به زبان نگرش خاصی دارد. او بر زبان قادر است و نرم گفتاری را برای ترجمانی و انعکاس جهان در حال دگرگونی می سازد. وی به مقتضای زمان و ضرورت های وقت اشاره می کند، اما از ماهیت این ضرورت ها چیزی نمی گوید. مهم ترین هدف جمال زاده از داستان نویسی، مطرح کردن زبان عامیانه و بازسازی هویت ملی ایران و انتقاد طنز آمیز از اوضاع اجتماعی ایران است.

یحیی آرین پور درباره شیوه نگارش جمال زاده می نویسد:

هنر بزرگ جمال زاده و مزیت عمده نوشته های او در کار بردن لغات و عبارات معموله در زندگی روزانه مردم است که نویسندگان فارسی زبان، تا زمان دهخدا و مدتها بعد تا زمان خود او، از استعمال آنها پرهیز داشتند و آن را نوعی نقص برای نویسندگی می دانستند. ولی در این جا باید فوراً خاطر نشان شود که در داستانهای نخستین جمال زاده، سبک نگارش بسیار روان و طبعی بود و کلمات عامیانه، بدون این که خواننده احساس کند که در استعمال آنها تکلفی به کار رفته، درست در جای خود نشسته بودند.⁵

جمال زاده یکی از پیش گامان ساده نویسی در نثر و حتی عامیانه نویسی است و این امر از دلایل اصلی جذابیت آثار او است. او در کار بر د ضرب المثل ها، کنایه ها و اصطلاحات مردم در آثارش مهارت خاصی دارد.

محاسن نثر جمال زاده قدرت توصیف او در خصوص مناظر، اشخاص، وضع ظاهری و احوال درونی و شیوه تکلم آنان است. شیرین تصویر اجتماع را پر داخته است و کهنه پرستی و ر خوت اجتماع را باطنز توصیف می کند. او گر چه که زبان

⁵ از نیماتاروز گار ما، یحیی آرین پور، ص: 286

داستان را با زبان مردم عامه قریب کرده است ولی گاه گاه به زبان محاوره نزدیک کرده است و گاهی در این زمینه افراط هم نموده است.

جمال زاده علاقه خاصی به شخصیت ها دارد. هر چند نمی تواند در شخصیت پردازی کاملاً موفق شود و آنها را پیش چشم خوانندگان به رفتار و گفتار در آورد، اما می تواند از آنها به ترتیب بسازد. آثار او علاوه بر این که از نظر شکل و مضمون پدیده ای تازه در ادبیات معاصر فارسی ایران به حساب می آیند. تا حدودی زیادی گزارش صادقانه ای از اوضاع اجتماعی دوران بیداری هستند و با زبانی طنز آمیز نابه سامانی ها و عقب ماندگی آن زمان را مورد انتقاد خود قرار می دهد و بالحنی طنز آمیز اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بی پرده می سازد.

در آثار جمال زاده عموماً انعکاس مسائل و واقعیت های اجتماع هستند و نیز در هر داستان با نثر ساده و عامیانه اجتماع ایران را مورد طنز خود قرار داده است. او نیز در آثارش نابه سامانی های زمانه خود را ذکر نموده است. او در آثار خود چهار طبقه مهم اجتماع را مخصوصاً هدف تنقید خود ساخته است: اول عوام الناس، دوم مدعیان مذهب، سوم اولیای دولت و چهارم تجار. علاوه بر این دیگر طبقات جامعه را مثلاً اهل قلم و ارباب ذوق و روزنامه نگار و غیر هم را نیز گاه گاه مورد نقد خود بررسی نموده است.

یکی از خصوصیات نگارش های جمال زاده این هم است که چون او خود از طبقات متوسط بود و نیز همه زندگی در طبقه متوسط گذراند، همین سبب شد که می تواند مردمان طبقه متوسط را با تمام دقت و پریشانی ها آن مسائل را

صراحت و مجسم کند که او از آنها دوچار شده بود و می‌تواند آخوندها را با شیوه و اصطلاحات خودش شکست می‌دهد. این هنر جمال زاده است که بر آن شیوه یک تعداد بزرگ نویسندگان جدید قادر نیستند.

علی دهباشی که مدیر مجله بخارا و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات معاصر ایران است، ایشان با جمال زاده مراداتی داشته است و بر چاپ آثار او نظارت کرده است. آقای دهباشی در سال 1377ش کتابی دربارهٔ 'بزرگ داشت جمال زاده' به چاپ رسانید که مجموعه‌ای از مقالات بود. او در این کتاب در پاسخ این که شما به کدام یک از وجوهای جمال زاده رابر جسته ترمی دانید. گفت:

جمال زاده یکی از نادر شخصیت‌های فرهنگی ایران است که خصوصیت‌های گوناگون دارد:

- به اعتبار مقاله‌های که در روزنامه 'کاوه' نوشت جوان‌ترین روزنامه‌نگار ایران بود.
- نخستین داستان‌نویس مدرن ایران است و به علت عمر طولانی و ارتباط با فرهنگی پیوسته با ایران داشت علاوه از او بسیاری از نویسندگان ایرانی مهاجرت کردند ولی ارتباط آنها با ایران قطع شد ولی جمال زاده هرگز تا پایان عمر این ارتباط را قطع نکرد.⁶

⁶ بزرگ داشت جمال زاده، علی دهباشی، ص: 78

همین طور وابستگی جمال زاده با ایران را غلام حسین یوسفی در آثار خودش
'دیداری با اهل قلم' می نویسد:

جمال زاده با آن که در خرد سالی از ایران دور شده بود، از
آموختن زبان فارسی و خواندن آثار برجسته این زبان
غافل نماند.⁷

جمال زاده نسبت به دیگر رشته های ادبیات فارسی در داستان نویسی شهرت
بسیاری حاصل کرد. چنانکه غلام حسین یوسفی ذکر می کند:

اهمیت جمال زاده در تاریخ و ادبیات ایران بیشتر از نظر
پیش روی و رهبری ادبی در داستان نویسی جدید است
و این کار بزرگ است. مقدمه معروف او بر کتاب 'یکی
بود و یکی نبود' به منزله مانیفست یعنی بیانیه ای ادبی است
که به مکتب جدید نویسندگی در ایران رسمیت بخشیده
است.⁸

یکی از خصائص مهم جمال زاده این است که او به ساده نویسی علاقه مند بود و
در باره این کوشش های بسیاری صرف کرده است که زبان نوشتاری را به زبان
گفتاری و عامه مردم نزدیک بسازد و برای این او از کلمات و اصطلاحات
فرسوده اعتناع کرد و از الفاظ و واژگانی ساده کار برده است. همین سبب است

⁷ دیداری با اهل قلم، غلام حسین یوسفی، ص: 246

⁸ دیداری با اهل قلم، غلام حسین یوسفی، ص: 249

که نثر جمال زاده روان و ساده و عامیانه است و با واژگان متنوع و گسترده
احتراس کرده است.

هدف من نوشتن قصه ای با سبک ادبی است که از نظر
زبان شامل کلمات و اصطلاحات روزمره ی عوام و مردم
کوچه و بازار باشد و از نظر توصیف زندگی طبقات
مختلف نیز آینه ای برای نمایش جامعه باشد.⁹

نثر در آثار جمال زاده نثر میانه است. میانه به این معنی که نه مثل زبان ادبی و
رسمی درباری قاچار است و نه مثل زبان گفتاری صادق هدایت و جلال آل
احمد و دیگران. بلکه آمیزه ای از هر دو است. ”در همه این داستان ها نویسنده
بیشتر از آن که به محتوا توجهی داشته باشد، به سبک نویسندگی نظر داشته و
هدف اصلی او این بوده است که کلمات و تعبیرات عامیانه و متداول در زبان
فارسی آن روز را در نوشته خود به کار برد و آن را با طبیعت و ذوق خوانندگان
نزدیک گرداند.“¹⁰

با همه زیبایی و شیرینی و سادگی و روانی که در نثر جمال زاده وجود دارد این همه
از آن خصائص هستند که جمال زاده را از هم عصران خود مانند جلال آل احمد،
صادق هدایت و بزرگ علوی ممتاز می کند.

⁹ مقدمه، یکی بود یکی نبود، جمال زاده، ص: 6

¹⁰ جویبار لحظه ها، دکتر محمد جعفر یاحقی، ص: 228

یکی از ویژگی های جمال زاده این هم است که وی بر بیان داستان مهارت تامه دارد به این طور که گاهی از داستان های خود درد و اندوه و مصائب اجتماع ایران را در ذهن خوانندگان باین طور منعکس می کند که خواننده بعد از خواندن داستان ششدر می شود مانند پلنگ و غیره و گاهی داستان را پر از شوخی و ظرافت می سازد که خوانندگان از اولدت می برد مانند: کباب گاز و غیره ولی اهمیت جمال زاده در هر دو قسم داستان که آیا پر از درد و اندوه باشد یا پر از شوخی و ظرافت نقد و طنز بر جامعه مفقود نمی شود.

داستان نویسان معاصر سید محمد علی جمال زاده:

جمال زاده که یکی از سبک وقع گرایی در نثر فارسی به شمار می آید. او آغازگر سبک اروپایی در داستان نویسی فارسی ایران هم است. همین طور دیگر نویسندگان معاصر او هم هستند که در این زمینه کارهای مهمی را انجام داده اند و این سبک جدیدی را به او ج رسانده اند. چنانچه این جا مناسب می شود که آنها را هم به اختصار یاد بکنیم.

ما نویسندگانمانند محمد علی جمال زاده، صادق هدایت و بزرگ علوی با رویکردی نوبه صنعت داستان نویسی و مناسبات اجتماعی، صدای گروه های وسیع تری از مردم را منعکس کردند. البته جمال زاده بیشتر از نظر پیش کسوتی اهمیت دارد، اما ارزش هدایت به علت نقش شگفت او در تجسم پنهان مانده ترین جنبه های زندگی ایرانی و پیشبرد صنعت داستان نویسی است. داستان

نویسی، گذشته از تحوّل فرم ادبی در ساده تر کردن زبان نگارش نیز تأثیر به سزا می گذارد. نویسندگان چون می خواهد داستان آینه زندگی مردم باشد نمی تواند جز با زبان زندگی مقصود خود را بیان کند.

صادق هدایت: یکی از شاخص ترین نویسندگان ادبیات فارسی است که در زمینه داستان نویسی معاصر ایران خیلی معروف است. صادق هدایت در یک خانواده ایران در سال 1903 میلادی در تهران متولد شد. خانواده صادق هدایت از طبقه رجال سیاسی و اشراف ایران بود. او را می توان نماینده برجسته در ادبیات داستان نویسی معاصر فارسی دانست که در آثار او ناامید و یاس شکل گرفته است و نیز ناامیدی و یاس در زندگی او و نوعی از افسردگی دوچار شده بود که به همین سبب او نخستین نویسنده تاریخ ادبیات فارسی است که با خود کشی زندگی خود را به پایان رسانده است.

صادق هدایت نویسنده پر خواننده در داخل و خارج کشور است که امروز آثار او را با دقت می خوانند و نویسندگان جدید از تکنیک ها و زبان داستان های او استفاده می کنند.

صادق هدایت دو بار به خود کشی اقدام کرد، نخستین بار در جوانی که خود را در رودخانه مارن انداخت، اما نجاتش دادند. دوّمین بار در سال 48 سالگی به اتفاق افتاد که به مرگ رسید.

بزرگ علوی درباره علت خود کشی صادق هدایت می گوید:

بیشتر مشکل او، مشکل اجتماعی بود. او فکر می کرد که بعد از جنگ شهریور، مشکلات و استبداد در ایران در حال پایان است و استبداد و دیکتاتوری چند هزار سال از ایران خواهد بست.¹¹

صادق هدایت در ادبیات فارسی بسیار کار مهمی انجام داده است که مهم ترین از آنها عبارت انداز: بوف کور، سه قطر خون، سگ ولگرد و زنده بگور.

جلال آل احمد: جلال آل احمد معروف و مشهورترین نویسنده ادبیات فارسی جدید است. او در سال 1302 ه در تهران متولد شد. وی در ادبیات نثری بعد از جمال زاده و صادق هدایت مقام والا دارد. نثر او ساده و عام فهم هستند زیرا که آل احمد از نثر مسجع و مقفع احتراز کرده است و به شیوه نوین داستان ها را به زبان عامیانه بیان نموده است.

جلال آل احمد ادامه دهنده شیوه و طرزى است که جمال زاده و هدایت در ساده نویسی و استفاده از زبان و لحن مردم عامه آغاز کرده بودند و نیز در واقع این نوع نوشتن و استفاده از زبان محاوره عامه مردم و ساده نویسی، نثر جدید فارسی را به اوج می رساند و گسترش می دهد.

¹¹ مصاحبه با شفیق کدکنی، بزرگ علوی، دنیای سخن، فرویدین، ص: 76

بزرگ علوی: مجتبی بزرگ علوی از نثر نویسان برجسته ادبیات فارسی سده بیستم میلادی و مشهورترین نویسنده چپ گرایی ایران است. در سال 1904 میلادی در تهران تولد یافت. او نخستین کار ادبی را با ترجمه قطعه‌ای از آثار شیلر تحت عنوان 'دوشیزه اورلئان' آغاز کرد. او در سال 1931 در دوران به گروهی از روشنفکران سوسیالیست به رهبری تقی ایرانی پیوست. سرانجام او در سال 1938 به همراه 52 تن دیگر بازداشت شد. و به زندان افتاد. هنگام تحمل حبس او کتاب 'پنجاه و سه نفر' را نگاشت که درباره اعضای گروه سوسیالیست و تحمل سختیهای آنان در زندان بود. او همچنین مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با نام 'ورق پاره‌های زندان' را در این مدت نوشت. پس از جنگ جهانی دوم علوی به کمونیسم اتحاد شورای گرایش پیدا کرد و کتابی با عنوان 'از یک‌ها' را به رشته تحریر درآورد.

صادق چوک: صادق چوبک در سال 1295 در 'بوشهر' چشم به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی در همین شهر در مدرسه 'سعادت' فراگرفت. صادق چوبک به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان داستان کوتاه به شمار می‌آید. او پس از جمال زاده و صادق هدایت به عنوان یکی از پیشروان قصه نویسی جدید ایران نام می‌برد که بارواج ساده نویسی و شکستن سنت ادبیات قبلی، ذهن مردم را بیدار می‌سازد و نیز خواننده خود را با اوضاع و حوال رائج آزمان آشنایی کند.

صادق چوبک دوره ادبی خود از انتشار یک مقاله می کند که به نام 'چوبک' در سال 1310 در روزنامه محلی 'بیان حقیقت' انتشار یافت. اولین مجموعه داستان های او به نام 'خیمه شب بازی' 1324 چاپ شد. دومین اثر او که مجموعه داستان های کوتاه هم است به نام 'انتری که لوطی اش مرده بود' 1328 چاپ شد. علاوه از این یک مجموعه دیگر به نام 'چراغ آخر' که مجموعه هشت داستان و یک شعر است در سال 1344 انتشار یافت. صادق چوبک علاوه از داستان ها و قصه های یک نمایش نامه به عنوان 'هفت خط' نیز به چاپ رسانده است. آخرین اثر او که خلاصه همه داستان های او است به نام 'سنگ صبور' در سال 1345 منتشر شد. بیشتر آثار او به زبان های مختلف ترجمه شده اند و صادق چوبک نیز از زبان های دیگر به زبان فارسی ترجمه کرده است.

شیوه نگارش صادق چوبک با همراه جمال زاده صادق هدایت و جلال آل احمد دانسته می شود که با شکستن سنت نوع ادبی، ساده نویسی و زبان گفتاری عامیانه را در ادبیات فارسی آغاز کردند. بعضی چوبک را تحت تأثیر هدایت می دانند و بعضی او را تحت تأثیر نویسندگان آمریکایی می دانند. چنانکه میرصادقی می نویسد:

ساختمان و شکل و پرداخت داستان های چوبک اغلب
یاد آور تکنیک و خصوصیت بعضی ناتورالیست قبل از
جنگ دوم جهانی آمریکاست مثل جان اشتن بک،

ارسکین کالدول، جان دوس پاسوس، ارنست میلر همین
گوی و ویلیام فالکنر.¹²

سیمین دانشور: سیمین دانشور که از نویسندگان و مترجمان ایرانی به شمار می آید. وی نیز نخستین زن ایرانی است که به زبان ساده و عامیانه داستان های فارسی نوشته است. اولین مجموعه داستانش 'آتش خاوش' است که در سال 1327 چاپ شده است، بار دیگر در سال 1340 کتابی به نام 'شهری چون بهشت' به چاپ رسانید که مجموعه داستانی هست که در آن مسائل زنان ایرانی و نیز مسائل اجتماع ایران به طور کلی نشان داده است. اّمّاهم ترین اثر وی 'سووشون' است که به زبان ساده وضعیت اجتماع ایران و مسائل سیاسی را با مهارت و دقت تصویر کشیده است به همین سبب در زبان های گوناگون ترجمه شده است و از شاخص ترین آثار ادبیات فارسی ایران دانسته می شود.

¹² واژه نامه هنر داستان نویسی، جمال میرصادقی، ص: 19

سهم سید محمد علی جمال زاده در گسترش نثر فارسی

داستان نویسی که در ایران قبل از جمال زاده رونق و رواج زیاد نیافته بود و نویسندگان ایرانی مدت ها نتوانستند که در این رشته ادبی آثار بدیعی به وجود آورند. و آن چیزی که نوشته شده بود آیفرا موش شده بود یا ارزش هنری زیاد نداشت.

پیدایش و شکوفایی مطبوعات ادبی و هنری که خصوصاً در دوره های اخیر سلطنت قاجاریان شروع شده بود و شخصیت های مهمی ادبی جدیدی پرورش یافته بودند که از آن میان باید از ملکم خان، زین العابدین مراغه ای، دهخدا و جمال زاده نام برد که آنها برای گسترش زبان و ادبیات فارسی کار مهمی انجام داده اند. این شخصیت ها نمایندگان و معیار های تازه ای بودند که ادبیات را با زبان ساده و عامیانه مردم ایران نزدیک تر ساختند. و به مقابله نثر متکلف و مسجع و مقفع به زبان مردم کوچه و بازار آثار خود را تصنیف کردند.

از این میان جمال زاده یکی از فرهنگیان ایرانی بود که برای گسترش و ترویج دادن زبان و ادبیات فارسی بسیار کوشش ها را در این ضمن صرف کرد، و بسیار کار ها را انجام داده است که از این رو نگاه به آثار او هم از نظر اجتماعی و هم از نظر ادبی، بسیار می توان راه گشاده باشد. طی این امر ها چیزی که جمال زاده را در ادبیات فارسی معروف تر گردانیده است، آن داستان های او هستند، آیا داستان

های کوتاه باشند یا داستان های بلند هر دو قسم داستان، جمال زاده را در ادبیات معاصر فارسی و نیز در میان هم عصران او ممتاز و مقبول می سازند.

جمال زاده نخستین کسی است که در ادبیات داستانی ایران زمین نقش شائسته ای در نثر فارسی دارد و نیز یکی از برجسته ترین شخصیت های فرهنگی در ایران است که به دلیل عمر طولانی اش و حضور دادن در بحرانی ترین دوره های تاریخی و در سیر تحولات و مشکلات ایران محسوب می شود.

سید محمد علی جمال زاده می باشد که در مورد احیا ادبیات فارسی کوشش های فراوانی را صورت داده است. او یکی از نویسندگان و مترجمان بزرگ معاصر ایرانی به شمار می آید که در تاریخ ادبی ایران، همواره بعنوان پدر داستان کوتاه فارسی و آغازگر سبک واقع گرایی در ادبیات فارسی یاد شده است. یکی از عواملی سبب شد که سبک نگارش جمال زاده در ایران به عنوان شیوه ای نوین در ادبیات فارسی مطرح شود، توجه به ساده نویسی در بیان حقایق ناب از زمانه اش بود در حالی که در کشور ایران تا آن زمان نوشته های پیچیده و انشاهای غامض، نشانه ای از فضل و دانش محسوب می شد. بنابراین جمال زاده بر آن شد تا از اصطلاحات و تعابیر عامیانه استفاده کند و داستان را برای عوام قابل درک بسازد.

آثار داستانی:

یکی بود و یکی نبود: (1300 ه.ش) نخستین مجموعه داستان کوتاه فارسی است که جمال زاده در این مجموعه نابسامانی ها و عقب ماندگی های جامعه را توصیف کرده است که پس از انحلال مشروطیت دچار هرج و مرج شده است. و این کار خود نقطه عطفی در ادبیات انتقادی عصر به شمار می آید.

این مجموعه مشتمل بر شش داستان های زیر است:

’فارسی شکر است‘، ’رجل سیاسی‘، ’دوستی خاله خرسه‘، ’درد دل ملا قربانعلی‘، ’بیله دیگ بیله چغندر‘ و ’ویلان الدوله‘.

این همه داستان ها به زبان ساده و تا حدی به زبان عامیانه نوشته شده اند که طبیعت و ذوق خوانندگان را جلب می کند.

دارالمجانین: (1321 ه.ش، 1942 م.) مهمترین آثار جدید جمال زاده است که در آن حکایت تیمارستانی مطرح شده است. نویسنده در این داستان با توضیح دادن فلسفه و عادات و ویژگیهای کاریکتر می خواهد که نامساعد حاکم بر جامعه انتقاد کند.

سرگذشت عمو حسینعلی: (1321) این کتاب مشتمل بر هفت داستان است. در داستان های این کتاب عدم حسیت، بی توجهی مردم ایران مورد بررسی قرار داده شده است.

سروته یک کرباس: (1323) سروته یک کرباس یا اصفهان نامه اثر سید محمدعلی جمالزاده است که در این داستان نویسنده احوال اوضاع مردم اصفهان را نشان داده است.

قلشن دیوان: (1325 هـ ش - 1946 م.) موضوع این داستان جمال زاده نیکی و بدی و نوسانات زندگی، فرهنگی و اجتماعی مردم تهران مقارن جنگ جهانی اول است. کاریکتر این داستان مانند سایر آثار جمال زاده مردم طبقات متوسطی هستند که آرزوها، اندیشه‌ها و مشکلات آنان به خوبی آشکار می‌شود.

صحراي محشر: (1326) این داستان یک داستان خیالی درباره روز قیامت است. نویسنده در این داستان احوال روز محشر را به عقاید و افکار خود به زبان طنز و انتقاد بیان نموده است. نویسنده در این داستان از آیات قرآن، قطعات احادیث و اشعار مولانا روم، حافظ و سعدی استفاده کرده است و گاهی گاهی از رباعیات خیام نثر خود را مزین ساخته است.

راه آب نامه: یک داستان طویل است. در این داستان احوال اوضاع اجتماعی ایران که در دوران مشروطه اتفاق افتاده بود با زبان طنز و با سبکی از بقیه آثار او بیان شده است.

تلخ و شیرین: (1334 هـ ش - 1955 م.) این مجموعه مشتمل بر هفت داستان است. نویسنده در این مجموعه انتشار و بد نظمی حکومت و رشوه خوری حاکمان و منصبداران و علاوه از این دیگر مشکلات را یکجا جمع کرده است.

این مجموعه (تلخ و شیرین) مرکب از این داستان‌ها است: 'یک روز در رستم آباد، 'حق و ناحق'، 'درویش مومیائی'، 'خواستگاری'، 'آتش زیر خاکستر' و 'ویشوا'.

شاهکار: (1337)

کهنه‌ونو: (1338)

غیر از خدا هیچ کس نبود: (1340)

زمین و آریاب و دهقان: (1341)

خاک و آدم: (ترجمه و تألیف)، (1342)

آسمان و ریسمان: (1343)

مرکب و محو: (1344)

قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریشدار: (1352) این مجموعه داستان‌های واقعی است که به زبان سهل با اصطلاحات شیرین نوشته شده است. این مجموعه مشتمل بر دوازده قصه کوتاه است که موضوعاتی او غالباً اجتماعی، فرهنگی و دینی هستند.

آثار سیاسی و اجتماعی:

گنج شایان یا اوضاع اقتصادی ایران: (چاپ برلین، 1335 ه. ق) نخستین تاریخ اقتصادی ایران در دوره قاجاری است.

آزادی و حیثیت انسانی: (ترجمه و تألیف (1338)

خلقیات ما ایرانیان: (1345)

تصویر زن در فرهنگ ایران: این کتاب مهم ترین اثر جمال زاده است که در ادبیات فارسی ایران مقام والا دارد. نویسنده در این کتاب احوال و اوضاع زنان ایرانی را بیان نموده است و نیز برای حل مشکلات و رفع عدم مساوات جنسیتی را با صراحت و استدلال مورد بررسی قرار داده است.

تألیفات و تراجم:

سید محمد علی جمال زاده در تألیف و ترجمه نیز کارهای مهمی انجام داده است و در ترجمه نگاری دسترس کامل داشت، کتاب های زیر را از او می توان نام برد:

گلستان نیک بختی یا پندنامه ی سعدی: (1317)

هزار پیشه: (1326)

سرگذشت بشر: (ترجمه، 1335)

دون کارلوس: (ترجمه، 1335)

خسیس: (ترجمه، 1336)

بانگ نای: (1337) قصه‌های مثنوی

قصه‌ی قصه‌ها: (1338)

کشکول جمالی: (1339) کشکول جمالی اثر سید محمد علی جمال زاده است که شامل: اشعار، لطیفه حکایت، و مثل‌هایی مختلف به زبان عربی با ترجمه فارسی است. این کتاب شامل 307 حکایت مختلف است. جمال زاده در دیباچه‌ای که بر این کتاب نوشته است در آن تصریح کرده است که این کتاب شامل حکایاتی مختلف است که بیشتر در بیان تحول اروپای سده‌ی بیستم تالیف شده است.

هفت کشور: (ترجمه، 1340) این اثر جمال زاده ترجمه هفت داستان‌های گوناگونی است که از نویسندگان خارجی که از کشورهای مختلف جهان اند به زبان فارسی ترجمه شده است. داستان‌های این کتاب عبارت‌اند از:

1. راز حقیقت: آناتول فرانس
2. یک نفر آدم چه قدر خاک لازم دارد: لئون تولستوی
3. قصه رجبعلی: آناتول فرانس
4. قهوه‌خانه شهر سولات: برنارد دوسن پیر
5. زندانی: ویلیام سن ماریو

6. آکل و ما کول: آنتوان چخوف

7. آخرین درس: آلفونس دوده

قهوه خانه سورات: (ترجمه، 1340ق)

فرهنگ لغات عامیانه: (1341): خدمت ارزنده و خاص جمال زاده آن بود که اصطلاحات عامیانه را که تا آن زمان ناپسند می پنداشتند، به زیبایی و استادی تمام به جایگاه واقعی خود، یعنی داستان هایش، وارد کرد. با این کار جمال زاده بی تردید به غنای بیشتر زبان مادری و تکامل آن یاری رساند.

صندوقچه اسرار: (1342)

طریقه نویسندگی و داستان سرایی: (1345)

تصحیح سرگذشت حاجی بابای اصفهانی: (1348)

قنبر علی، جوانمرد شیراز: (گوبینو، ترجمه، 1352) این کتاب ترجمه اثری از آرتور کنت دو گوبینو می باشد، جمال زاده در مقدمه ترجمه قنبر علی می نویسد در ترجمه قنبر علی گاهی زینت دادن متن اصلی را بر خود مجاز و مستحب دانسته از آن چیزی نکاسته ولی بر شاخ و برگ آن مبلغی افزوده است. چیزی که هم هست تخطی و تجاوز از روح و مغز داستان را بر خود حرام ساخته تنها در حشو و زواید تصرفاتی به عمل آورده است.

قصه‌ی مابه سر رسید: (1357)

آشنایی با حافظ: (1366) جمال زاده در این اثر خودش بررسی و مباحثی درباره احوال و اشعار حافظ که با اسناد و منابع گوناگون به او فراهم رسیده بود، پرداخته است.

تاریخ روابط روس و ایران: (چاپ برلین، چاپ تهران 1372) مهم ترین اثر تاریخی جمال زاده است که در این با تاریخ ایران داستان کشمکش ایرانیان با آن اقوام که از ابتدا رائج بود ذکر شده است و نیز با مرور زمان و گردش دوران که اوضاع را تغییر داده و عوامل دیگری روی کار آورده است. در ابتدا تاریخ روابط روس و ایران جزو به جز و در روزنامه کاوه انتشار می یافت.

فصلِ دوّم

اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران

در قرن بیستم میلادی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران در قرن بیستم میلادی

زبان فارسی که از نظر تحقیقات و بیانات زبان شناسان، وجود آن از زمان اویستا است، اگر چه که از اویستا اولین یا اثر اصلی نمانده است اما نقل ها و باز نویسی های آن در دسترس ما قرار دارد. زبان فارسی تا رسیدن این زمان معاصر بسیار مراحل طی کرده است و بسیار انقلابات در سرزمین این زبان یعنی ایران به وجود آمده اند چون که این دوره یعنی قرن بیستم میلادی دوره انقلابات و تحولات ایران و جهان دانسته می شود. مهمترین از آنها انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران هم هستند که در قرن بیستم میلادی در سرزمین ایران برپا شده بودند. و به همین سبب در ایران چند تغییرات به وجود آمدند که از آنها اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی هم است، مقصود اصلی ما این جا ادبیات فارسی آن زمان است چونکه ادبیات متعلق به سیاست و اجتماع است به همین سبب لازم است که آن هر دو را هم مورد بررسی قرار بدهیم.

در هر جامعه ای که انقلاب به وجود آمد فقط نظام سیاسی آن جامعه را دگرگون نمی سازد، بلکه همه اجزای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی را هم زیر تغییر و تحول می آرد. اصلاً انقلاب ها آن قدر زورمند می باشند که انسان های یک

جامعه راتحت تأثیر خودمی آرند و همه چیزها را دیگر گون می سازند. یکی از آنها انقلاب اسلامی ایران هم است که به وقوع آن اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران دگرگون شد و نیز بعد از وقوع این انقلاب وضعیت زنان هم دگرگون شد و زنان در جامعه مقام خاصی پیدا کردند.

قرن بیستم میلادی نه فقط برای ایران بلکه کل جهان دوره انقلابات و تحولات به شمار می آید که در این دوره بسیار انقلاب ها در سرزمین های مخلف جهان رخ داده اند که از آنها انقلاب های روسیه، فرانسه و ایران اند که به سبب آن احوال و اوضاع آن سرزمین دگرگون شد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن بیستم میلادی:

سرزمین ایران که سرزمین انقلابات و تحولات دانسته می شود. در این سرزمین در اوئل قرن بیستم میلادی انقلابی که به وجود آمد از جنبش مشروطه نامیده می شود. هر ملت هاهر کدام به مناسبت حال خودشان و بر حسب موقعیت، استعداد و شرایط زودتر یا دیرتر زیر تحولات عظیمی آمدند. البته این جا مورد بحث این است که ایران اولین ملت جهان بود که در این قرن به یک تحوّل عظیم سیاسی و اجتماعی به دست پیدا کرد یعنی در سال 1905 یا 1906 میلادی ایران زودتر از دیگر ملت های جهان به یک تحول سیاسی و اجتماعی و ادبی نزدیک شد و آن تحوّل است که دوران مشروطیت اتفاق افتاده بود.

در اوائل قرن بیستم میلادی انقلاب مشروطه که یک حادثه بزرگی و مهم ترین تحوّل سیاسی و اجتماعی در ایران بود که در آن قرن اهمیت تاریخی برای همه کشورهای دنیا داشت و به طور مستقیم مرتبط با مسئله آزادی، وطن پرستی، حق زنان و آزادی های جنسی بود.

زمینه های انقلاب مشروطیت از اواسط حکومت ناصرالدین قاجار فراهم شد که زمان آن در سال 1324 هجری صادر شد.

در سالهای پایانی حکومت ناصرالدین شاه قاجار اوضاع ایران به تدریج رو به وخامت نهاد و بامرگ شاه اوضاع سیاسی و اجتماعی آشفته تر شد. مظفرالدین

شاه که پس از کشته شدن پدر به سلطنت رسید فردی بیمار و ملایم بود و دست کم مدتی برای پذیرش افکار اصلاح طلبانه آمادگی داشت. وی امین السلطان را که مورد تنفر عامه بود بر کنار و امین الدوله را به جای او منصوب کرد و برای پرداخت حقوق حرمسرای پدر، بر آوردن خواسته‌های مالی مکرر درباریان تازه وارد که سالها منتظر چنین فرصتی بودند و سفر 'درمانی' به چشمه‌های آب معدنی اروپا به پول فراوان نیاز داشت. ولی صدراعظم نتوانست وام جدیدی از انگلیس دریافت کند. بدین سبب شاه امین الدوله را بر کنار و بار دیگر امین السلطان را به صدراعظم انتخاب کرد.

امین السلطان، دو وام بزرگ از روسها گرفته بود که نخست وام از آنها یکی این بود که ایران تعهد کرد تمام بدهی خود را به انگلستان پردازد و از این پس، بدون جلب رضایت روسها، از کسی وام نگیرد. در برابر وام دوم، امین السلطان روسها را از امتیازات اقتصادی عمده‌ای بهره‌مند کرد. افزون بر این، روسها بر امضای یک معاهده گمرکی پای می‌فشر دند. بر اساس این معاهده که سرانجام در 1902 م به امضا رسید بر اقلام وارداتی روس تعرفه‌ای کمتر از 5% ارزش کالا که مرسوم زمان بود، گمرک بسته می‌شد. روسها برای تضمین وامها فردی بلژیکی به نام نوز را که به آنها تمایل داشت به عنوان رئیس گمرک ایران تحمیل کرده بودند با تسلط بلژیکی‌ها بر گمرک ایران به دلیل تبعیضی که آنها در مورد بازرگانان ایرانی در مقابل تجاوز روس‌روا می‌داشتند شکایات فراوانی از بازرگانی ایرانی می‌رسید. این دو وام و درآمد ناشی از گمرک بیشتر در سه سفر شاه به اروپا در

سالهای 1907-1900م هزینه گردید و شرایط اقتصادی بیش از پیش رو به و خدمت نهاد.

در این موقعیت ناخوشنودی از سلطه بیگانگان بر گمرک، افزایش نفوذ روسها، بی عدالتی و فقر و ناامنی و وجود مشکل نان در کشور، دولت را زیر فشار قرار داد. اولین مرحله از اعتراضها به بهانه نان شروع شد. عصیان ها در هر شهر از سوی چند روحانی با نفوذ رهبری و پشتیبانی می شد. حمایت روحانیان بزرگ شهرها از این اعتراضها، حمایت علمای نجف را نیز جلب کرد به تدریج فشار مخالفان فزونی یافت و سرانجام در سال 1903م به استعفای امین السلطان که اکنون به بالاترین لقب یعنی اتابک دست یافته بود، انجامید شاه عین الدوله را به عنوان صدراعظم انتخاب کرد. اما نارضایتی ها پایان نیافت. همزمان با تشکیل انجمن های مخفی مخالفان خصوصاً در تهران و تبریز پخش شب نامه ها به زبان فارسی در خارج از کشور به چاپ می رسید گسترش یافت. در این زمان شکست روسیه از ژاپن و وقوع تحولات انقلابی در روسیه به مردم جسارت و روح بخشید. ایرانیان می دانستند که روسها برای حفظ منافع شان از حکومت قاجار حمایت می کنند ولی مشاهده پیروزی یک کشور کوچک آسیایی دارای قانون اساسی بر یک قدرت غول پیکر اروپایی بدون قانون اساسی و وقوع تحولات انقلابی در روسیه ترس آنها را از مقابله با روسها فروریخت.

سبب آغاز انقلاب مشروطیت: اسباب و وجوہات انقلاب مشروطہ از زمان ناصر الدین شاہ بہ وجود آمدہ بود کہ از اواخر پادشاہی مظفر الدین شاہ بر اثر ظلم و ستم فساد و تباهی، زبون حالی اقتصاد، در این دورہ کم کم آغاز شدہ بود کہ در دورہ محمد علی شاہ انقلاب و ہیجان و کشمکش مردم با دربار و ایادی استبداد در تہران و دیگر ولایات ایران ادامہ پیدا کرد و سبب انقلاب مشروطہ شد. ونیز استعفای امین السلطان و صدر اعظمی عین الدولہ و مشکلات عادی، شکست روسیہ از ژاپن و برخی عوامل دیگر سبب آغاز این نہضت شد.

دو واقعہ مهم ترین حوادث آن زمان شمرده می شوند کہ در برافروختن آتش خشم مردم مؤثر بودند عبارتند از:

1) کردار توهین آمیز در پوشیدن لباس روحانی کہ سبب بسته شدن بازار و تجمع مردم در حضور روحانیان شد.

2) چوب و فلک کردن دو بازرگان بہ جرم گران فروختن شکر البتہ دو بازرگان اصرار داشتند کہ افزایش بہای شکر وارداتی بہ دلیل جنگ روسیہ و ژاپن سبب بالارفتن قیمت شکر شدہ است. مردم بہ رہبری علما در برابر این حوادث لب بہ اعتراض گشودند. لجاجت عین الدولہ در مقابل اعتراضها، بہ مهاجرت علما بہ حرم حضرت عبدالعظیم انجامید. (مهاجرت صغری) در آنجا برای اولین بار حکومت آشکارا مورد انتقاد قرار گرفت و سخنرانان در بارہ ستم کار گزاران حکومت و تیرہ روزی مردم سخن گفتند.

مردم دولت را برای بازگرداندن سریع علما زیر فشار قرار دادند. روحانیان تأسیس عدالتخانه بر کناری نوز بلژیکی رئیس گمرک و عین‌الدوله را شرط بازگشت خویش شمردند با پافشاری مردم، دولت ناگزیر خواست علما را پذیرفت. به دنبال آن خشونت کارگزاران دولتی علیه مردم و عدم پای‌بندی حکومت به تعهداتش سبب گسترش اعتراضهای مردم‌ور روحانیان شد.

بدین ترتیب تجمع اعتراض آمیز مردم تهران در مسجد جامع با حمله سربازان به خاک و خون کشیده شد. علما در واکنش به این مسئله به قم مهاجرت کردند. گروهی از مردم نیز که بر جان خویش بیمناک بودند به سفارت انگلیس پناه بردند. این تحصن یک ماهه در سفارت بیگانه از نقاط مذموم و تاریک انقلاب مشروطه است. متحصنان نخست از شرع احمدی و سنت محمدی سخن می‌راندند ولی بتدریج این خواسته‌ها دگرگون شد و مضامین فرهنگ غربی در درخواستها وارد شد. تحصن در سفارت انگلیس فرصت مناسبی برای هدایت نهضت توسط انگلیسیها فراهم نمود. لفظ مشروطه در همین سفارت وردزبانها شد. قبل از آن خواسته‌ها محدود به عدالتخانه بود. در این زمان تعداد اندکی معنای مشروطه و نتیجه آن را می‌دانستند و از میان ده هزار نفری که به سفارت انگلیس رفتند از آنها فقط ده نفر بودند که واقعاً مشروطه خواه بودند و می‌دانستند چه می‌خواهند. این مهاجرت به مهاجرت کبری مشهور است.

نحوه پیروزی اولیه و شکست نهایی انقلاب مشروطه: با ادامه اعتراضات مردم با دو مهاجرت و نیز خواسته مردم مبنی بر کناری عین الدوله و همچنین اندیشه تأسیس مجلس شورای ملی در افکار مردم بود که شاه مجبور به ازاله عین الدوله شد و با تأسیس مجلس موافقت کرد.

پس از تهیه نظامنامه انتخابات و امضای آن بوسیله شاه انتخابات مجلس در شهریور 1285 ه. ش برگزار شد و نخستین مجلس مشروطه ایران در مهرماه همان سال گشایش یافت این مجلس نوشتن قانون اساسی را به کمیته‌ای منتخب واگذار کرد. این کمیته به سرعت با بهره‌گیری از قوانین اساسی بلژیک و فرانسه قانون فراهم آورد و به امضای شاه رساند. شاه بیمار اندکی بعد از امضای قانون اساسی در گذشت و محمد علی شاه به سلطنت رسید.

در این زمان اهداف و ماهیت شعبه‌ها و جناح‌های مختلف آشکار می‌شد. بعضی از روزنامه‌های نوظهور مقدسات مذهبی مردم را مورد حمله قرار می‌دادند گروهی از روحانیان که از تهران بودند به رهبری شیخ فضل الله نوری به منظور تصادف با این تحریکات مشروطه خواهان ایرانی را به بعد انتقاد گرفتند و با تجمع در حرم حضرت عبدالعظیم خواستار مشروطه مشروعه شدند.

در زمان محمد علی شاه متمم قانون اساسی تدوین شد و به امضای شاه رسید. این متمم که در آن حق نظارت پنج مجتهد بر قوانین در نظر گرفته شده بود. به اصرار روحانیانی مانند شیخ فضل الله شکل گرفت.

محمد علی شاه برای رویارویی با مشروطه خواهان در پی بهانه بود و دولت روسیه نیز به عنوان حامی در کنار او قرار داشت. حمله به کالسکه شاه که برخی از مورخان آن را نقشه دربار شمرده‌اند بهانه‌ای مناسب در اختیار شاه نهاد. او در دوم تیر ماه 1287 ه. ش به پیش نهاد به خوف فرمانده روسی قزاق‌ها فرمان حمله به مجلس را صادر کرد. ولی سرانجام مقاومت علمای نجف که در فتوای خود به دفاع از نهضت و سرزنش محمد علی شاه پرداختند تلاش ستارخان و باقرخان به فتح تهران و برکناری محمد علی شاه و به قدرت رسیدن فرزند او که دوازده ساله بود، انجامید.

پس از آن انقلاب مشروطه آغاز شد حضور روسها در شمال و انگلیسیها در جنوب کشور و مداخلات بی‌اندازه آنها که موجب ضعف قدرت مرکزی می‌شد. اعتماد به مخالفان مشروطه مانند عین‌الدوله، قدرت یافتن مجدد فرصت‌طلبان، خانها و اشراف قدیمی، آغاز جنگ جهانی اول، قحطی‌های وسیع، عدم موفقیت دولت در تأمین امنیت و معیشت مردم و ناخشنودی فراگیر ملت، زمینه را برای ظهور دوباره استبداد فراهم ساخت.

زمینه‌ها و علل آغاز نهضت مشروطه در ایران: به طور کلی زمینه‌ها و علل وقوع انقلاب مشروطه در زمینه فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است.

زمینه‌ها و علل فکری و فرهنگی: در این زمان آگاهی سیاسی در جامعه ایران به دلیل تلاش‌های فکری روحانیان و روشنفکران و افزایش ارتباط فرهنگی با جهان خارج و انتشار روزنامه‌ها که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شد و همچنین انتشار غیر رسمی ولی گسترده آثار سیاسی انتقادی رشد چشمگیری یافته بود و مردم با مفاهیم مجلس، مشروطیت و آزادی آشنا شده بودند و همچنین مراجع نجف از جمله میرزای نائینی با استناد به متون مذهبی به مخالفت با نفوذ بیگانه، استبداد و ظلم و ستم قاجاری برخاستند و توده مردم را علیه دولت برانگیختند. مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه برای کار نیز در بالا بردن آگاهی سیاسی مردم مؤثر بود.

زمینه‌ها و علل سیاسی و اجتماعی: نارضایتی مردم از دولت قاجار بی کفایتی شاهان و مدیران قاجاری، فساد حاکم بر دربار، ساخت سیاسی کشور، نفوذ بیگانگان در ساختار سیاسی و ضعف و تسلیم دولت در برابر آنان که با حضور روز افزون اتباع خارجی همراه شد. اکثریت مردم مذهبی و علما نسبت به حکومت بدبین شدند و نفرت عمومی علیه قاجار زدند. از سوی دیگر عقد قراردادهای استعماری مانند گلستان، ترکمانچای، امتیازات اقتصادی و تحمیل کاپیتولاسیون، بذل نفرت را در میان ایرانیان آگاه بارور می‌ساخت و همچنین ظلم و تعدی حاکمان مردم را به ستوه آورده بود. حاکمان مناصب را خریداری می‌کردند و هیچ کس پاسخگو نبود. گاهی مردم از ترس مأموران مالیاتی خانه و کاشانه خود را رها می‌کردند. تشدید این ظلم‌ها در کنار آگاهی

مردم و حرکت موفقیت آمیز جنبش تنباکو و شکست روسیه از ژاپن رامی توان از علل سیاسی آن نام برد.

نیروهای درگیر در انقلاب مشروطه:

نیروهای اصلی درگیر در انقلاب مشروطه رامی توان به دو نیروی اصلی روحانیت و روشنفکران دسته بندی نمود:

روحانیان: روحانیان به لحاظ پیوند عمیق جامعه ایران با دین از دیر باز در این کشور از اقتدار و نفوذ زیادی برخوردار بوده است. در دوره صفویه با گسترش مذهب شیعه در ایران روحانیت به عنوان عالی ترین نهاد مردمی و تنها نهاد قدرتمند غیر دولتی مطرح شد. نهاد مرجعیت در شیعه هر فرد معتقدی را به روحانیت پیوند می داد. حتی شاه که مشروعیت خود را از مسلمان بودن خود می گرفت به لحاظ مذهبی فقط یکی از مقلدان به شمار مراجع بزرگ محسوب می شد و شرعاً حق تخطی از فتوای مراجع را نداشت. ظهور سیاسی علما در تاریخ معاصر ایران اوایل قرن نوزدهم میلادی باز می گردد (جنگ ایران و روس و قتل گریایدوف) روحانیت تنها پناهگاه مردم در برابر ظلم و ستم حاکمان به شمار می رفتند و مهمترین عامل قدرت سیاسی روحانیت پایگاه وسیع مردمی آنان بود. روحانیت همیشه با مردم مرتبط بود. افزایش علمای بزرگ و رشد سریع مدارس و حوزه های دینی نیز به گسترش کمیت و کیفیت نهاد روحانیت

انجامید. در حمایت از مشروطه می‌توان از میرزای نائینی نام برد همچنین پس از پیروزی روسیه و آشکار شدن اهداف برخی از سران مشروطه خواه، گروهی از علما از مشروطه فاصله گرفتند که شیخ فضل الله نوری برجسته‌ترین آنهاست. وی را به هنگام فتح تهران دستگیر و در یک دادگاه فرمایشی محکوم به اعدام کردند. چندی بعد ترور آیت الله بهبهانی نیز ضربه دیگری به روحانیت وارد نمود و بدین ترتیب هدایت مشروطه به دست غرب‌زدگان افتاد.

روشنفکران: جریان روشنفکران از ابتدا قرن نوزدهم میلادی در ایران شکل گرفت. ایرانیانی که نتوانستند شناخت دقیق و بنیادین از مبانی نظری توسعه و رشد تمدن غربی داشته باشند مجذوب آن شده و ظاهراً آنرا تقلید می‌نمودند. در عصر ناصری تعداد تحصیل کرده‌های فرهنگ دیده‌ور روشنفکران آشنا به غرب افزایش یافت. راهی که آنان ارائه می‌دادند. حاصل انتقال بدون تعمق اندیشه‌ها و تجربیات دیگران به شمار می‌رفت. برخی آنها عبارتند از:

آخوندزاده: از اولین روشنفکران ایرانی که به انتقاد از جامعه ایرانی عصر خود پرداخت و مفاهیم جدیدی را مطرح کرد و برای توسعه ایران پیشنهادهایی ارائه داد. او از تبعه روس به شمار می‌رفت و با صراحت به مذهب و اعتقادات مردم می‌تاخت. جنبه‌های ضد دینی باعث شد که کمتر خواننده‌ای در ایران داشته باشد. میرزا ملک خان ناظم الدوله از دیگر روشنفکران دوره ناصری بود که پیشنهاداتی در مورد اصلاح سیستم سیاسی و نظام اقتصادی ایران به ناصرالدین

شاه ارائه کرد. وی وزیر مختار ایران در لندن و واسطه امتیاز رویتر شد امتیاز لاتاری (بخت آزمایی) را گرفت و با توجه به فتوای علما مبنی بر تحریم لاتاری آنرا به یک انگلیسی فروخت و به جرم کلاهبرداری محاکمه و از مقامش عزل گردید وی روزنامه قانون را منتشر کرد و اصطلاحات قانون مشروطیت علوم جدید آزادی و نفی استبداد را مطرح می کرد و توسعه ایران را روی کار آوردن مستشاران و کمپانیهای خارجی می دانست. او بعد از عزلش به انتقاد از دولت پرداخت و در این زمان به حق السکوت رضایت داد.

سپهسالار: دولتمرد و روشنفکر دیگر عصر ناصری که مدتها به عنوان نماینده سیاسی ایران در خارج از کشور به خصوص عثمانی فعالیت می کرد. وی در بحران خشکسالی کشور به نخست وزیری ناصرالدین شاه منصوب شد و امتیاز رویتر را در همان زمان به انگلیسیها داد. مهمترین ضعف او اعتماد به انگلیسیها بود.

روشنفکران با توجه به استفاده از الگوهای غربی، بی اعتنایی به سنتها و مذاهب جامعه، فقدان پایگاه مردمی، عدم اعتقاد به مسائل دینی و بیسوادی اکثریت مردم (95%)، آنان را از هر گونه اقدام سیاسی منتقل باز می داشت و آنها را به سمت اتحاد با دنیوی سیاسی دیگر یعنی دربار یار و حانیت هدایت می کرد.

عواملی که در زمینه شکست مشروطه ایران سبب شدند آن را می توان به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم می کرد:

عوامل خارجی: اتحاد دولت های روسیه و انگلیس در مقابل خطر آلمان و تقسیم ایران در قرارداد 1907م و اشغال ایران در جنگ اول به دست قدرتهای درگیر از عوامل خارجی دارای نقش در شکست مشروطه اند به توپ بستن مجلس توسط نیروهای روس، اشغال و جرم و جنایت توسط نیروهای نظامی روسها در شمال و انگلیسیها در جنوب، آغاز جنگ جهانی اول، افزایش قحطی، گرسنگی و بیماری و مرگ و میر نیز مردم را از فکر مشروطه بیرون می کرد و حتی برخی همه این بلاها را ابلا می دانستند.

عوامل داخلی: از جمله عوامل داخلی شکست مشروطه، می توان به ماهیت کاملاً متفاوت نیروهای مشروطه خواه اشاره کرد. مشروطه انقلابی نبود که بر خواست و اندیشه یک طبقه یا نیروی اجتماعی خاص استوار باشد. گروهها و نیروهای اجتماعی متعددی مشروطه را ایجاد کردند. آنها به جای گفتگو با هم به درگیریهای فیزیکی، تهمت و افترا، ترور و خشونت دست می زدند زیرا هنوز استبداد حاکم بر جامعه بود. سالهای پر آشوب جنگ جهانی اول، عدم توجه و بی اهمیتی دولت روس و انگلیس به مشروطه، ناامنی کشور، گرسنگی و بیماری از جمله عوامل داخلی شکست مشروطه بود در جریان مشروطه روحانیت خسته از درگیری و دلسرد از سیاستمداران از صحنه سیاست کناره گرفته و میدان را به سود مستبدان و حامیان آنها خالی گذاردند.

پیامدهای مشروطه: انقلاب مشروطه با همه مشکلات و ناکامی‌هایش آثار عمده‌ای از خود بر جای نهاد برخی از این آثار عبارتند از:

1. مفاهیمی مانند قانون اساسی، مجلس آزادی، انتخابات، تفکیک قوا با این انقلاب مطرح شد و به رسمیت یافت. هر چند که بزودی مجلس مورد هجوم قرار گرفت ولی اصل وجود قانون اساسی در سخت‌ترین دوره‌ها برقرار ماند و در مقاطع خاصی تعدادی از نمایندگان مخالف دولت به آن راه یافت که با آثار سیاسی مهمی همراه بود.

2. تجربیات ارزشمند انقلاب مشروطه در زمان وقوع انقلاب اسلامی مورد توجه واقع شد. از یک سو نابودی نظام سلطنتی و قطع کامل سلطه بیگانگان در کشور و توجه به فرهنگ و ارزشهای خودی مورد توجه قرار گرفت و از سوی دیگر رخنه عناصر بیگانه و فرصت طلب در مشروطه هوشیاری انقلابیون مذهبی را برای جلوگیری از تکرار این امر در انقلاب اسلامی برانگیخت. در نهایت این تجربیات لزوم حفظ وحدت میان نیروهای انقلاب را گوشزد کرد.

انقلاب اسلامی ایران:

انقلاب اسلامی ایران از شگفت‌ترین انقلاب‌های اجتماعی قرن بیستم میلادی و آخرین انقلاب‌های این قرن در ایران به شمار می‌آید. این انقلاب عمیقاً مذهبی و متکی به مذهب اسلام بود به این‌طور که رهبری آن یکی از مراجع تقلید بزرگ شیخ یعنی امام خمینی بود. حذف اصلی آن تشکیل جامعه توحیدی بود. انقلاب اسلامی نه تنها یک انقلاب ضد استعماری و آزادی خواهانه بود بلکه علاوه بر این حرکتی فکری هم علیه تفکر مادی و ومار کسبستی و هم علیه تفکر غربی بود. این انقلاب اگر چه حرکت ملی بود ولی فراتر از مرزهای ایران داعیه ای اسلامی خواهی نیز داشت و توانست توجه مسلمانان سراسر جهان و کشورهای اسلامی را به خود جلب کند. این انقلاب داخل کشور نیز تغییراتی شگرفتی در ابعاد مختلف چون: جا به جای قدرت، تحرک اجتماع، بیداری محرومان و مستضعفان سنتی طبقات مرفه هم بود.

انقلاب اسلامی تنها مختص به مسلمانان ایران نیست بلکه برای همه انسان‌ها است و مخصوصاً برای زنان دوره خوب تر شمرده می‌شود. در این دوره زنان که در طول تاریخ دیدگاه‌های متفاوت و متنازعی را نسبت به خویش تجربه نموده

بودند، نجات یافتند. انقلاب اسلامی در بیدار سازی زنان و باز شناسی هویت حقیقی آنان نقش ارزشی ایفا نموده شد. از این روزنان در جوامع جایگاه و موقعیت والا به دست آوردند. بسیاری از حوادث و رویدادهای بزرگ تاریخی اتفاق افتاده اند ولی به حقارت و تضعیف زنان هیچ توجهی نشد. در زمان گذشته زنان از حق تحصیل نیز محروم بودند.

اما بعد از انقلاب اسلامی وضعیت و احوال زنان ایرانی دگرگون شد و به سوی بهتری گامزن شد. که امروز حضور زنان در مختلف شعبه های جامعه ایران یافته می شود که آیا میدان تعلیم باشد یا میدان سیاسی و اجتماعی در هر زمینه در ردیف مردمان دیده می شوند.

اوضاع ادبی ایران در قرن بیستم میلادی:

انقلاب مشروطیت ایران که در آغاز قرن بیستم میلادی در زمان ناصرالدین شاه قاجار شروع شده بود. نقش شعر و ادبیات در این تحوّل عظیمی انکار ناپذیر است. ادبیات چونکه آئینه تمام اجزاء زندگی یک اجتماع و روحیات و احساسات مردم آن روزگار می باشد و نیز احوال و رفتار حاکمان از ادبیات آن زمان منعکس می شود.

بلا تردید انقلاب مشروطه ایران یکی از سرنوشت، سازترین تحولات تاریخ کشور ایران به شمار می آید که سیاست و اجتماع و ادبیات ایران را دگرگون کرد. روش فکران و اندیشه مندان و سخنوران آن زمان به بیان افکار و اندیشه های خود مردم را به آزادی مشروطیت آگاه کردند. مانند: ملکم خان که متأثر از نویسندگان اروپائی بود که از مقاله نویسی در روزنامه مشهور 'قانون' بهره می گیرد. آخوندزاده مواد فکری خود را از ادبیات جدید روس اخذ کرده بود به نقد فرهنگ جامعه ایران با ابراز نمایش نامه نویسی و تمثیلات می پردازد. زین العابدین مراغه ای سیاحت نامه می نویسد و میرزا حبیب به ترجمه رمان های معروف اروپایان را درباره زندگی و احوال زندگی ایرانیان می پردازد تا آنان را به حال خود واقف تر کند. به همین سبب شد که ادبیات ایران در این دوره دگرگون شد.

ایرانیان که از اواخر دوره صفوی به ویژه از طریق زبان و موضوعات و باشیوهای تفکر اجتماعی اروپا و به شیوه زندگی مردم غرب، آشنا شده بودند و در طرز زندگی و ادبیات خود داخل کرده بودند.

نخسین کسی از آنها که به این طرف توجه کرده بود حزین لاهیجی است که از شاعران مبرز آن عصر به شمار می آید. و چندین بعد در همان زمان عبداللطیف خوشتری است که در تحفة العالم توصیفات چندی از طرز زندگی مردم انگلستان نشان داده است و اثر خود را در دوره قاجار تألیف کرد و در هند منتشر ساخت.

ادبیات قرن بیستم میلادی از لحاظ زبان و موضوعات خیلی متفاوت و متغیر شده بود. زبان آن دوره آیدر نثر باشد یا شعر آسان تر و ساده تر است و نزدیک به زبان مردم عامه است و موضوعات نیز در این دوره تغییر یافتند که موضوع های تازه داخل ادبیات گردیده شدند که از آنها: آزادی، مسائل سیاسی و اجتماعی، فکر تساوی حقوق زنان، افکار حریت و وطن دوستی و غیره.

بخش های مهم ادبیات که در زمینه های انقلاب مشروطه کار مهمی ایفا نموده اند، از این ترتیب اند:

چاپخانه: چاپخانه در زمینه انقلاب مشروطه ویژگی های خاصی دارد. اهمیت آن این است که اگر چاپ خانه در ایران دایر نشده باشند شاید روزنامه در ایران

چاپ نمی شوند که در زمینه انقلاب اهمیت زیادی دارند. اولین بار در تبریز در سال 1233 به کوشش میرزا زین العابدین چاپخانه سربی آغاز شد.

دومین چاپخانه سنگی نیز در تبریز در سال 1240 دایر شد و اولین کتابی که به چاپ رسید قرآن بود که به کوشش میرزا اسدالله چاپ شد. بعد از دایر شدن چاپ سنگی، چاپ سربی متروک شد و چاپ سنگی جای او گرفت.

چند تا چاپخانه ها هستند که در نهضت مشروطه ایران در زمینه سیاسی و اجتماعی و ادبی فعالیت ها ادامه دادند از آنها: چاپخانه مجلس شورای ملی، چاپخانه مجهز یا چاپخانه شاهنشاهی که مدیر آن عبد الله خان قاجار بود. علاوه از این چند تا چاپخانه دولتی و وابسته به دولت بودند که از آنها: چاپخانه بانک ملی ایران، چاپخانه دخانیات ایران و چاپخانه راه آهن. این همه چاپخانه ها در زمینه انقلاب مشروطیت کتاب و روزنامه های سیاسی و اجتماعی به چاپ رساندند که به وسیله آن ذهن مردمان ایران را برای مشروطیت آگاه کردند.

روزنامه: روزنامه ها نیز برای نقل قصه ها و خبرها و حوادث فرهنگی اهمیت خاصی می پردازند. اما روزنامه های که اولاً در ایران چاپ می شوند در خدمت پادشاهان و اشراف پیش می شوند و بعد از مطالعه که اگر از آن ذهن مردم کشور نسبت به تمدن و شیوه های سیاسی و فرهنگی روشن می شود آن وقت اجازه نمی دهند که به چاپ به رسد. البته چند تا روزنامه ها که اندیشه های آزادی را در

ذهن مردم ایرانی بیدار می‌کند در خارج از مرزهای ایران انتشار می‌یابد و پنهان به ایران می‌رسد.

روزنامه‌های که برای بیداری مردم کار مهمی انجام داده‌اند، بعضی از آنها هستند که در ایران انتشار می‌یابند مانند: 'روزنامه انجمن'، 'در تبریز'، 'مساوات'، 'در تبریز'، 'روزنامه ندای وطن'، 'صور اسرافیل'، 'نسیم شمال'، 'ناله ملت'، 'ایران نو'، 'شرق'، 'مجله بهار'، 'روزنامه کاوه'، 'مجله ارمنان' و غیره...

و بعضی دیگر که در خارج ایران انتشار می‌یابند و به ایران می‌رسند مانند: 'حبل المتین'، 'در کلکته در هند'، 'قانون'، 'در لندن'، 'حکمت'، 'در مصر و اختر'، 'در استانبول' و غیره. از میان این روزنامه‌ها و مجله‌ها، 'روزنامه صور اسرافیل'، 'روزنامه کاوه'، 'مجله بهار' و غیره هستند که در نشر فارسی تحوّل‌ی پدید آوردند و راه برای پیدایش داستان کوتاه نویسی هموار کردند، قابل ذکر اند.

ادبیات فارسی در دوره مشروطیت (از 1285 تا 1299 ش):

ادبیات مشروطه شامل بخشی از ادبیات کهن فارسی است که از یک سوره‌یسه در دهه‌ی سوم سلطنت ناصرالدین شاه و ویژگی‌های عمومی آن دارد و از سوی دیگر در ادبیات نوی متجلی می‌شود که تا سال‌های نزدیک به کودتای سال 1299 ش و حتا چند سال پس از آن ادامه می‌یابد.

این ادبیات، تلاش و تکاپوی ملت ایران را برای نیل به یک حکومت قانون و بریدن از حکومت استبداد، بازتاب داده است و ظهور آن را می توان با آشنایی ایرانیان با ایده‌ی 'آزادی' به مفهوم اروپایی آن مقارن دانست.

کلمه‌ی 'آزادی' به کرات در شعر کهن فارسی آمده و اشعاری نیز در خصوص آن می توان پیدا کرد، ولیکن مفهوم غربی آن که حکومت قانون و نوعی نظم اجتماعی متکی بر برابری است، چیزی بود که در نتیجه‌ی آشنایی شاعران و ادیبان ایران با غرب، در اندیشه و احساسات آنان رسوب کرد.

ویژگی های شعر فارسی در دوره مشروطیت:

روشنفکران ایرانی که از اواخر دوره صفوی تا حدی با افکار و زندگی اروپائیان آشنا شده بودند. از آنها نخستین کسی که در آثار خود آن شیوه و تفکرات جدید اروپائیان را در آورد، حزین لاهیجی، شاعر معروف و مشهور اواخر صفوی بود. بعد از او عبداللطیف شوشتری که در 'تحفة العالم' زندگی مردم غرب را توصیف کرده است.¹³ در اواخر دوره قاجار شاعرانی که آن تفکرات غربی را در آثارشان بیان نموده‌اند چون ادیب الممالک، ایرج میرزا، علی اکبر دهخدا، عارف قزوینی، ملک الشعراي بهار، ابوالقاسم لاهوتی و میرزاده عشقی هستند که مضامین زیر را در نوشته‌های خود در آوردند:

• وطن

¹³ ادبیات نوین ایران، ص: 334

- آزادی وقانون
- تشویق مردم به وطن دوستی
- انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی
- ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد
- توجه به علم و تعلیم و تربیت نوین
- حمایت از حقوق زنان
- زنان و مساله‌ی برابری با مردان
- نقادی اصول اخلاقی کهن
- مبارزه با خرافات مذهبی (و گاه با خودمذهب)

در این دوره، شعر فارسی در قلمرو محتوا و اهداف شعری از دربار رست و گام به کوچه و بازار نهاد و مشحون از خون و فریاد و گرمی زندگی و آرمان هاشد.

البته شاعران در برخورد با این مفاهیم برداشت مشخصی نداشتند. مثلاً 'وطن' در دیدگاه‌های مختلف آنان مفاهیم متفاوتی داشت. سید اشرف‌الدین حسینی شاعر، نویسنده و مدیر روزنامه نسیم شمال از روزنامه‌های دوره مشروطیت ایران بود، از آن صحبت می‌کرد، 'وطنی' بود که با تمام مظاهر اسلامی و شیعه سرشته شده بود و حال آن که وقتی عشقی صحبت از 'وطن' می‌کرد 'ایران' به مفهوم خالص آن بود (اونیز مانند سایر پیشروان رمانتیک، دوره‌ی ساسانیان و ایام پیش از استیلای عرب را در نظر داشت. از این رو است که نوعی احساس ضد عرب‌رامی توان از لا به لای اشعار عشقی دریافت و حال آن که سید اشرف اعراب‌رامی ستود.

آزادی و قانون نیز دارای حد و مرز و پذیرش مشخصی نبود. در این زمینه اتوپیای پیش ساخته‌ای وجود نداشت تا شاعر بتواند با الگو قرار دادن آن، آزادی و قانون را در جامعه پیاده کند، لیکن ستایش زیادی از ایده‌ی عمومی آزادی و قانون رامی توان در اشعار این دوره دید.

مسئله‌ی برخورد با خرافات مذهبی و یا خودمذهب نیز بیش از یک جنبه داشت و برداشت شاعران از آن گوناگون بود. برخی از آنان مسائل جزئی مذهبی را که دارای درونمایه‌ی خرافی بود، مورد انتقاد قرار می‌دادند، همان گونه که ایرج میرزا انجام می‌داد، ولی دیگران اصلاً خودمذهب را قبول نداشتند، نظیر عشقی باصراحت تمام آن رامی گفت:

قصه‌ی آدم و حوای، دروغ است دروغ

نسل می‌مونم و افسانه بود از خاکم¹⁴

در حوزه‌ی زبان شعر: بدیهی بود که ورود این نوع احساسات و عواطف به شعر فارسی، باعث شد که شاعران به دنبال زبانی باشند که مناسب با این افکار و عقاید باشد. از این رو شعر فارسی که اکنون به قصد برآوردن نیاز عمیق اجتماعی می‌خواست با عوام و توده‌ی مردم رابطه برقرار کند، به سوی زبان کوچه و بازار کشیده شد.

¹⁴ میرزاده عشقی

در این دوره واژگان و عباراتی که از زبان مردم کوچه و بازار گرفته می شد، کاربرد عمومی پیدا کرد و واژگان اروپایی که با خود مفاهیم جدیدی به قلمرو نظم اجتماعی و سیاست آوردند، وارد زبان شعر فارسی شد.

ادیب الممالک یکی از شاعرانی است که در این زمینه کم و بیش دست و دل باز بود. ایرج میرزا نیز با زبان شیوای خود از همان آغاز کوشید تا واژگان فرانسوی را وارد شعر خود سازد.

دیدگاه‌ها و برداشت‌های سیاسی که زاینده‌ی اوضاع سیاسی و اجتماعی غرب بود، در شعر این دوره به فراوانی به چشم می خورد. برخی از شاعران به ضرورت و برخی دیگر به تصنع به این واژه‌های عاریه‌ای، چنگ زدند و خیال می کردند که کار اصلاح شعر و ادبیات فارسی را بدین شکل می توان از پیش برد.

در حوزه تخیل: شعر دوره‌ی مشروطیت آن اندازه پرشور، کوبنده و تندرواست که جایی برای کاربرد خیال و تخیل باقی نگذاشته است. اساس هنر شاعر در این دوره بر نوآوری در زمینه‌ی تخیل قرار ندارد. از این رو اکنون نقادانی که برای ارزیابی خود از معیارهای اروپای پس از جنگ استفاده می کنند، شعر دوره‌ی مشروطه را 'نوعی نظم' می خوانند، زیرا در آن نمی توان از تخیلات تازه چیزی سراغ گرفت. با این حال در تجربه‌هایی که ایرج و عشقی در شعر این دوره کسب کردند و نیز در برخی از آثار بهار، نمونه‌هایی از تلاش برای به دست آوردن 'بیان جدید' را به خوبی می توان دید.

در حوزه شکل و ترکیب شعر: شکل و ترکیب شعر این دوره همان اشکال آشنای سنتی است ولی محل کاربرد آن هافرق کرده است. مستزاد به ناگهان هم جافراگیر می شود و یکی از فرم های اصلی و عمومی شعر این دوره می گردد. قصیده گرچه در 'جناح ادبی شعر' در آثار بهار، ادیب الممالک و ادیب پیشاوری یکی از اشکال اصلی به شمار می آید، ولی دیگر محبوبیتی را که در دوره ی قاجار داشت ندارد و در 'جناح مردمی شعر' شکل مطلوبی نیست. از غزل های عاشقانه و عارفانه هم دیگر خبری نیست و بیش تر در جایی دیده می شود که دارای چاشنی سیاسی باشد. همین مورد در باره ی مثنوی، به ویژه مثنوی بلند هم صادق است. تصنیف که فرم عاشقانه و نیز اجتماعی آن در سرودهای مردمی دیده می شود و جنبه ی فولکلوریک دارد، در این دوره به شکوفایی می رسد و شاعران نخبه آن را بانوعی چاشنی اجتماعی در می آمیزند. در این زمینه یکی از بزرگ ترین شاعران، عارف قزوینی است که به موفقیت چشمگیری در این حوزه دست می یابد و پس از او باید از بهار نام برد.

شعر دوره ی مشروطیت به دلیل تحولات عمیقی که در جامعه رخ داده بود و طبقات گوناگونی که همراه آن ها عمل می کردند، به سختی گوناگون بود. این دوره نخستین دوره ای است که شعر فارسی، در یک زمان محدود، چندین سبک و سیاق از خود نشان داده است.

چهار 'موج' عمومی شاعران شعر فارسی در این دوره عبارتند از:

1) موج ادبیات سنتی، یعنی شاعرانی که با وجود همه ی علاقه ای که به مسائل اجتماعی از خود نشان می دادند، حاضر نبودند قدمی از قلمرو سنت فراتر نهند. مانند وحید دستگردی، کمالی و ادیب الممالک، ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری.

2) موج حامیان توده ی مردم، یعنی شاعرانی که گوشه ی چشمی به قشر عظیمی از توده ی مردم به ویژه عوام داشتند و تلاش برای برقراری مشروطیت از خصایص اصلی شعر آنان است. مانند عارف، عشقی، سید اشرف (نسیم شمال)، فرخی بزدی، دهخدا و بهار.

3) موج اعتدالی، یعنی حامیان اصلاح بر پایه ی سنت و استحکام فرم و زبان شعری. مانند ایرج، لاهوتی، دهخدا (در برخی اشعارش) و بهار (در برخی اشعارش).

4) شاعران بی خبر از وقایع جهان، مانند حبیب خراسانی، صفای اصفهانی و صفی علی شاه که سه شاعر عارف هستند و شعر آنان نمونه ی شعر عرفانی این دوره است.

شاعران عمده‌ی دوره‌ی مشروطیت:

ملک الشعرای بهار (1330-1265 ش): سیاستمدار، روزنامه‌نگار، محقق و استاد دانشگاه. او بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین شاعران دوره‌ی مشروطیت است. وی به دلیل تنوع و حجم فعالیت‌های ادبی‌اش، تأثیر خود را در همه‌جای تاریخ جنبش مشروطیت به جا گذاشته است. بهار را با وجود همه‌ی تنوعی که در فرم‌های شعرش نشان داده است، باید آخرین قصیده‌سرای شعر فارسی به شمار آورد. بهار نیز زن را از جذبه‌ی عشق و محبت شرسار می‌کند و سراسر وجودش را لطافت و مهربانی می‌داند.

طبایع گاه لطف و گاه قهرند
تو لطف از فرق سرتاپایی ای زن
بهشت واقعی جائی است کز مهر
تو با فروزندگان آنجایی ایی زن¹⁵

ایرج میرزا (1305-1253 ش): از نظر حجم آثارش به پای بهار نمی‌رسد، ولی به علت آشنایی با ادبیات اروپا و نیل به مرحله‌ی جدیدی در زبان شعری که دارای استحکام و سلاست است، تأثیری فوق‌العاده در دوره خود و دوره‌های بعدی به جا گذاشت. زبان شعری او از روزگار سعدی تا به امروز سلیس‌ترین زبان شعری به شمار می‌رود.

¹⁵ دیوان ملک الشعراء بهار، محمدتقی بهار، ص: 529

ادیب الممالک (1297-1240 ش): نخستین شاعری است که در ترکیب انواع شعر در فرم‌های سنتی و زبان کهن مهارت و تجزیه دارد. شعر او که از نظر واژگان و شناخت عمومی شاعر از شعر، شگفت آور است، با خون و فریاد دوره‌ی مشروطیت آمیخته است.

عارف قزوینی (1313-1261 ش): از شاعران توده‌ی مردم و به‌ترین تصنیف‌ساز این دوره است. تصنیف‌های او که خود شاعر آن‌ها را در کنسرت‌های سیاسی اش با آهنگ‌هایی که خود اجرا می‌کرد می‌خواند، ورد زبان همه بود. غزل‌های سیاسی او نیز با همه‌ی ضعف‌زبانی اش نقل محافل و از جذابیت ویژه‌ای برخوردار بود.

میرزاده عشقی (1303-1273 ش): از روزنامه‌نگاران جوان انقلابی بود که زندگی خود را در راه وطن دوستی باخت و در جریان تظاهراتی مردمی که برای انقراض رژیم قاجار برپا شده بود کشته شد. زبان شعری او تند و فحاش، ولی با صداقت و وطن‌دوستانه بود. او در قلمرو شعری تجربه‌هایی از خود نشان داد که برخی از آن‌ها را می‌توان نقطه‌ی آغاز اصلاح ادبی زمان او به‌شمار آورد. نخستین نمایش‌نامه‌نویسی منظوم در ادبیات فارسی از او است.

علی اکبر دهخدا (1337ش - 1297ق): سیاستمدار، ادیب، محقق استثنایی و نویسنده‌ی برجسته‌ی عصر خود بود. او در زمینه‌ی نظم و نثر کم‌تر کار کرد، ولی آن چه راهم که کرد کافی بود تا او را از پیشگامان نثر فارسی و پدر زبان قصه نویسی در ادبیات ما جای دهد. او در شعر نیز اصلاح‌گر و پیشگام بود. سطح تحقیق او همتا ندارد. بزرگ‌ترین فرهنگ‌نامه‌ی زبان فارسی (لغت‌نامه) از آن اوست (نزدیک به 100 جلد)

سید اشرف گیلانی (1313-1249ش): سردبیر روزنامه‌ی مردمی و موثر نسیم شمال که بیش‌تر به نام روزنامه اش معروف شده است، یکی از کامل‌ترین شاعران مردمی عصر خود است. شعر او از نظر فرم درونی و مفهوم برونی آن به زبان توده‌ی مردم سروده شده است.

ابوالقاسم لاهوتی (1336-1266ش): سیاستمدار و شاعر که دارای زندگی پر آشوبی بود. او پس از یک برخورد داخلی در آذربایجان از ایران گریخت و به اتحاد شوروی رفت و بقیه‌ی عمرش را در آن جا گذراند و در همان جا در گذشت. وی یکی از شاعران بسیار فعال در این دوره به شمار می‌آید که در زمینه‌ی محتوا، زبان و فرم شعر فارسی به تجارب چندی دست یافت که در تحوّل شعر فارسی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

فرخی یزدی (1318-1268ش): شاعر چپ گرا و روزنامه نگار آزادی خواهی که از طبقه ی محروم و مظلوم جامعه ی ایران بود. او تا پایان عمرش که حکایت مبارزه ی طولانی، زندان و بیماری است، به شدت از طبقه ی محروم دفاع کرد. او از بزرگ ترین غزل سرایان روزگار خود بود و غزلیات سیاسی وی در ادبیات فارسی بی نظیر است. با آن که فرخی تحصیلات عالی نداشت، لیکن شعر او بسیار پیچیده تر و استوارتر از اشعار معاصرینش است. در سال 1318ش به دستور رضاه شاه در زندان قصر آمپول هوا به او تزریق نموده و شهیدش کردند.

پروین اعتصامی (1321-1286ش): یکی از مستقل ترین شاعران دهه های اخیر این دوره و یکی از موثرترین آنان بوده است. شعر پروین تلفیقی است از 'خرد و پند' کهن همراه با نوعی دل سوزی و واکنش در برابر مسائل دور و بر خود که در جای خود یادآور آثار نویسندگان قدیم است و اغلب پوششی از رمانتیسم بر خود دارد که تأثیر ادبیات غرب نیز در آن به چشم می خورد.

توجهی که به زندگی محرومان و زحمتکشان در شعر او دیده می شود باعث برتری آثارش نسبت به آثار بسیاری از معاصرانش شده است. وی ژانر 'مناظره' را در شعر فارسی با سبک بسیار زیبایی دوباره زنده کرده است و این نوع از شعر برای بیان موضوع مورد نظر شاعر به کار گرفته شده است. پروین به دوران کودتا تعلق دارد ولی او را می توان از جمله شاعران اواخر دوره ی مشروطیت به شمار آورد.

نیما یوشیج (1339-1277 ش): علی اسفندیاری، پدر شعر نوزبان فارسی و بنیادگذار شعر جدید است او سرودن شعر را در اواخر دوره‌ی مشروطیت آغاز کرد و در حقیقت باید او را از شاعران بعد از مشروطیت به شمار آورد، زیرا که او پس از کودتای سال 1299 ش به عنوان شاعر معروف شد و چاپ آثار او و نفوذ و تأثیرش بر شعر فارسی پس از جنگ دوم جهانی و فروپاشی رژیم رضاه شاه انجام گرفت. نیما نقادی دقیق نیز بود که تحت تأثیر مطالعات خود از ادبیات غرب، تحوّل بنیادی در جریان شعر فارسی ایجاد کرد و بعد جدیدی به آن بخشید.

زندگانی چه هوسناک است، چه شیرین!

چه برومندی دمی بازندگی آزاد بودن،

خواستن بی ترس، حرف از خواستن بی ترس گفتن،

شاد بودن!

به شب آویخته مرغ شباویز

مدامش کار رنج افزاست، چرخیدن.

اگر بی سودمی چرخد

و گراز دستکار شب، درین تاریکجا، مطرودمی چرخد...¹⁶

¹⁶ مرغ شباویز، نیما یوشیج

ویژگی‌های نثر فارسی در دوره‌ی مشروطیت:

ادبیات دوره‌ی مشروطه را باید به نباله ادبیات کلاسیک فارسی به شمار آوریم. ادبیات دوره مشروطه اعم از شعر و نثر، نقش بزرگی در فراز و فرود نهضت مشروطه ایفا کرده است. این ادبیات هم بر مشروطه و مشروطیت تأثیر گذاشت و هم از آن متأثر شد. رنگ و بوی به شدت سیاسی و بعضاً اجتماعی این ادبیات به خوبی در آثار نویسندگان این دوره دیده می‌شود.

در ادبیات مشروطه نثر هم مانند شعر و شاید بیشتر از آن اهمیت پیدا کرد. و به سبب پیدا شدن انواع جدید نثر مثل متون ترجمه، داستان، ادبیات روزنامه‌ای، رمانهای تاریخی و مانند این‌ها، اهمیت نثر در این دوره زیادتر شد.

سادگی زبان و نزدیکی آن به گفتار، از طریق راهیابی اصطلاحات و واژگان گفتاری به نثر که روزنامه‌نویسی و ترجمه مروج آن زمان بودند. از ویژگیهای بارز این نثر به حساب آمده است. رواج مقاله و گزارش نویسی به شیوه غربی بر این جریان تأثیر گذاشتند و ساده‌نویسی را بیش از پیش ترویج دادند. به این ترتیب راه برای نثر ساده هموار شد آثار و نوشته‌هایی این قبیل از: 'مسالک المحسنین' و 'کتاب احمد' یا 'سیاحتنامه ابراهیم بیک' از طالبوف.

در دوره‌ی مشروطیت، روزنامه نگاری، نثر فارسی را از آسمان هفتم هنر و تکنیک به حیطه‌ی زندگی روزمره فرو کشید. نثر روزنامه‌های دوره‌ی قاجار از

نظر دستور زبان البته قابل انتقاد است ولی این نثر بسیار ساده و در بیان مفاهیم خود راه خطانرفته است.

تاریخ تحوّل این نثر، که آن را باید پدر زبان قصه نویسی نوبه شمار آورد، به واسطه سلطنت ناصرالدین شاه برمی گردد و اگر نثر ساده‌ی قائم مقام را کنار بگذاریم، می‌توان گفت که این نثر نوبا آثار نویسندگان چون:

عبدالرحیم طالبوف تبریزی (1291-1214 ش): عبدالرحیم پسر ابوطالب در سال 1834/1213 م در محله سرخاب تبریز زاده شد. او در 16 سالگی تبریز را ترک کرد و به تفلیس (گرجستان Georgia) که مرکز انقلاب و اندیشه‌های نوینی بود، رفت. عبدالرحیم طالبوف، نوگرا، آزادیخواه و دانش‌پژوه بود. هدف اساسی او در نوشته‌هایش، بیداری ایرانیان و آشنا ساختن آنان با دنیای نوبود.

طالبوف از پیشوایان ساده کردن دانش و فن آوری جدید است و مفاهیم علمی را به روشنی و سادگی بیان می‌کند. امروزه او را از پیشگامان ساده نویسی در نثر فارسی می‌شناسند.

مهمترین اثرش به نام 'سفینه طالبی' یا 'کتاب احمد' در دو جلد در سال 1271 ش. در استانبول چاپ شد.

نمونه‌ای از کتاب احمد:

”اکثر متمولین این مغربیان متمدن نمای خوش ظاهر، مثل موش صحرائی دور عالم را می‌گردند که هر جا انبار

جدیدی پر از حبوبات ثروت پیدا کنند، همراهان خود
را دعوت نمایند و به هر حيله روباهی که ممکن باشد،
رخنه بر آن انبار آکنده بیندازند. . . . هر ملتی که رجال
متنفذ او زود باور ولین العریکه و بی علم و بی تجربه و طلا
دوست باشند، با سرپنجه صید افکن شاهین اقتدار
استرلینگ و روبل و دلار و فرانک، زودتر از دیگران شکار
شوند.¹⁷

طالبوف در نوشته های خود، بیشتر از زبان دیگری سخن می گوید و گاهی نیز از
خود با نام میرزا عبدالرحیم مرحوم، یاد می کند. او شعرهایی نیز سروده و آن ها را
نخستین اشعار پولیتیکای ایران خوانده است. از مهمترین آثار او، افزون بر کتاب
سفینه طالبی یا کتاب احمد، می توان کتاب های زیر را نام برد.

‘نخبه سپهری یا تاریخ نبوی’، ‘مسائل المحسنین’، ‘سیاست طالبی’، ‘ایضاحات
در خصوص آزادی’، ‘مسائل الحیات’، ‘ترجمه پند نامه مارکوس’ و ‘ترجمه
هیئت فلا ماریون’

حاج زین العابدین مراغه ای (1290-1219 ش): زین العابدین در سال 1255 به
دنیا آمد، پدرش مشهدی علی، از اهالی ساوجبلاغ مکری بود و در مراغه
تجارت می کرد. از آزادی خواهان دوره مشروطه ایران و نویسنده کتاب

¹⁷ کتاب احمد، عبدالرحیم طالبوف، جلد اول، ص: 84-83

سیاحتنامه ابراهیم بیگ است. او برای نجات ایران از چنگال جهل و استبداد، چاره اندیشی کرده اند، وی سرانجام، برای دفاع از آزادی و نبرد با استبداد، به استانبول رفت. مراغه‌ای در استانبول با روزنامه های فارسی زبان، به خصوص: روزنامه‌ی 'شمس' و روزنامه‌ی 'حبل المتین' کلکته همکاری داشت.

سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ که رمان تاریخی و سیاسی و از روی خواندنی شیرینی است، در همان شهر به رشته‌ی تحریر درآورد. کتاب در واقع موضوع اوضاع اجتماعی ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است. نمونه‌ای از سیاحتنامه ابراهیم بیگ:

دور باش!

از مدرسه چند قدمی فراتر نگذاشته بودیم که ناگهان از طرف دیگر صدای دور باش بلند شد. از بانگ فراشان که چشم‌پوش، برگرد، بالا برو، پائین بیا گوش آسمان گرمی شد.

دیدم از دو طرف صف فراشان است که می‌آیند. همان طور که در شاهرود دیده بودیم، در میان صفوف فراشان، کالسکه‌ای در حرکت بود. دیدم مردم رو به دیوار کرده ایستادند. در شاهرود این تشریفات رایاد گرفته، اما رو به دیوار کردن راننده بودم.

من هم پیش رفته گفتم: بابا! آخر مسلمانید. این غریب بیچاره را چرامی زنید؟

گفتند: این پدر سوخته به شاهزاده خانم بی ادبی کرده...¹⁸

میرزا حبیب اصفهانی (1835-1893 م): با ترجمه ی 'حاجی بابای اصفهانی' جیمز موریه آغاز شد.

روشنفکر، مترجم و شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری، از پیشگامان تحول در نثر و ترجمه و دستور زبان فارسی؛ و به اعتباری بنیانگذار و پدر دستور زبان فارسی محسوب می شود.

مهمترین اثری که نام میرزا حبیب اصفهانی را تبدیل به نامی جاودانه کرده، ترجمه 'سرگذشت حاجی بابا اصفهانی' اثر جیمز موریه فرانسوی است. (جیمز موریه یکی از کارمندان سفارت انگلیس در ایران بود) ترجمه خصوصیتی دارد که وهم می شود که میرزا حبیب مترجم این کتاب است یا نویسنده اش.

میرزا حبیب کتاب 'سرگذشت حاجی بابا اصفهانی' را با نثری شیرین و گیرا و پر از طنز و مثل و اشعار هزل آمیز ترجمه و مکتوب کرده.

ملک الشعرا ی بهار در کتاب «سبک شناسی»، درباره ی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی چنین می نویسد:

«نثر حاجی بابا گاهی در سلامت و انسجام و لطافت و پختگی مقلد گلستان، گاه در مجسم ساختن داستان ها و تحریک نفوس و ایجاد هیجان در خواننده، نظیر نثرهای

¹⁸ سیاحتنامه ابراهیم بیگ، حاج زین العابدین مراغه ای، ج: 1

فرنگستان است. هم ساده است و هم فنی، هم با اصول
کهنه کاری استادان نثر موافق و هم با اسلوب تازه و طرز نو
هم داستان و در جمله، یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم
هجری قمری است. تنها عیبی که در این کتاب دیده ایم آن
است که در استعمال افعال انشایی، طرز جدید و قدیم را با
هم ترکیب کرده و از تحت ضابطه و رسم بیرون شده
است.¹⁹

علی اکبر دهخدا: ادیب، لغت شناس، سیاست مدار و شاعر ایرانی که در سال
1257 در تهران چشم به جهان گشود و او قزوین الاصل بود. دهخدا در جنبش
مشروطه نقشی مهم ایفا کرد. دهخدا از ابتدا نویسنده اصلی در صور اسرافیل بود.
وی بانگارش مقاله‌های بند در روزنامه صور اسرافیل، در زمره مشروطه خواهان
قرار گرفت. همین سبب بود که او مورد غضب محمد علی شاه واقع شد.

پس از پایان جنگ جهانی اول دهخدا از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت، و طی
سلطنت رضاشاه به کارهای علمی، ادبی و فرهنگی پرداخت. عمده ترین اثر او
لغت نامه دهخدا است که در ادبیات فارسی مقام خاصی دارد. اثر مهم دیگری
چرند و پرند است که مجموعه نوشته های طنز اجتماعی و سیاسی علی اکبر
دهخدا است که در قالب داستان کوتاه، نوشته شده است.

¹⁹ سبک شناسی، ملک الشعراى بهار، جلد سوم، ص: 166

دوره فترت، دوره‌ای پس از کودتای رضاشاه

(از 1299 تا 1320 ش)

ادبیات فارسی در سال‌های نخستین پس از کودتای سال 1299 ش آخرین تلاش خود را برای حفظ آزادی و استقلال و نگهداری آن بذرا انجام داد که به بهای اندوه و دل‌شکستگی، در جامعه‌ی ایران در حال رشد بود. با این حال نتوانست در برابر رخنه‌ی ریاکاری و نیروی پول‌خارجی ایستادگی کند.

انگلیس که دیگر پیوندی با رژیم قاجار نداشت و دریافته بود که اگر دموکراسی در ایران ریشه بگیرد، خطر رخنه‌ی بلشویسم دوچندان می‌گردد و هزارویک خطر دیگر، از جمله در هند، با استفاده از ضعف دولت توانست مردی را روی کار بیاورد که به دلیل خصوصیات شخصی می‌توانست به تراز شاهان قاجار در صحنه ظاهر گردد.

بدین ترتیب سید ضیاءالدین طباطبایی که روزنامه‌نگاری جوان بود با کودتای اسفند سال 1299 ش و با ابزار مردم‌فریبانه وارد صحنه شد، همراه خود یک فرماندهی نظامی را نیز وارد صحنه کرد که بعدها رضاشاه شد و پس از مدتی نیز طبق دستور انگلیس صحنه را ترک گفت.

هنگامی که او با فزین کاری اعلام کرد که هدف او پایان دادن به حکومت فاسد و اشرافی است و به نخست‌وزیری منصوب شد، در نتیجه‌ی طرح ماهرانه‌ی انگلیس و زرنگی ذاتی اش توانست مردم را برای مدت کوتاهی به سوی خود

بکشد، تا آن جا که هنگامی که ماموریتش پایان یافت و صحنه را ترک گفت، شاعری نظیر عارف قزوینی که در میهن پرستی و خصوصیات خوب او تردیدی نبود، یکی از معروف ترین تصنیف های خود را به افتخار او سرود و آرزوی بازگشت دوباره ی او را کرد. این شعر به قدری صادقانه بود که برخی از مصرع های آن به صورت ضرب المثل درآمد.

بررسی و تحلیل محتوای این شعر عارف ما را به این نتیجه می رساند که انگلیس بر یکی از حساس ترین احساسات جامعه ی ایران انگشت نهاده بود و آن احساس تنفر از دولت اشرافی بود. و مردم گمان می کردند که با ظهور شخصی چون سید ضیاء از میان مردم، عمر دولت اشرافی در ایران به پایان رسیده است.

پس از تحت کنترل گرفتن کامل اوضاع توسط ژنرال رضا خان که سپس وزیر جنگ شد و سرانجام پادشاهی از قاجار به او منتقل گردید، در این اوضاع، عشقی (در تظاهراتی کشته شد)، فرخی یزدی (در زندان شهید شد)، بهار و دهخدا و روزنامه ی نسیم شمال از سیاست کناره گرفتند، لاهوتی به اتحاد شوروی تبعید شد و عارف که از کرده ی خود پشیمان شده بود به صورت فردی منزوی در یکی از دره های نزدیک همدان به انزوا خزید و جز یک سگ باهیچ تنابنده ای رابطه پیدا نکرد و همه را دروغگو نامید.

و بدین سان جان کلام و لب و مغز شعر و ادبیات جنیش مشروطیت مردم ایران گرفتار ایامی سیاه و شیطانی گردید.

جریان‌های شعر فارسی در دوره‌ی فترت:

در چون این اوضاع و احوالی شعر فارسی چه کاری می‌توانست بکند جز آن که یا هدف اصلی خود، یعنی پیوند با اعماق زندگی و جامعه را بیازد، یا آن که برای مدتی چشم‌روی هم‌بگذار دو یا اگر هم خواست در باره‌ی هدفش سخنی بگوید آن را با واژگان پیچیده و دوپهلویبیا لاید.

از این دیدگاه در این دوره دست کم می‌توان دو گروه شاعر را تشخیص داد:

- شاعرانی که کاری با زندگی و سیاست نداشتند.
- شاعرانی که پیوند خود را با زندگی و سیاست حفظ کردند.

که در میان هر دو گروه هواداران اصلاح شعر یا طرفداران شعر سنتی نیز وجود داشتند.

گروه نخست که کاری با زندگی و سیاست نداشت، آنانی بودند که تا حدی نیز در خدمت نظام بودند و آن را می‌ستودند و وحید دستگردی (سردبیر مجله‌ی ارمغان)، افسر (رییس انجمن ادبی ایران)، امیرالشعر نادری، غمام همدانی، عبرت مصاحبی، صادق سرمد و عباس فرات از این رده بودند.

شعر آنان مرکب از غزل، قصیده، قطعه، رباعی و شمع و گل و پروانه و اندرزهای مکرر بود. تعداد آنان زیاد و عملکردشان صفر بود. ارگان ادبی بیش‌تر آنان نشریه‌ای بود با عنوان 'کانون شعراء' (1313 ش)، که به سردبیری حسن مطیعی از

عمال دولت منتشر می شد. برای آشنایی باشیوهی تفکر این گروه کافی است که نگاهی به فهرست عنوان های بیانیه ی شعر ی آنان بیاندازیم:

- ایجاد حس وطن پرستی و شاه دوستی
- مبارزه ی جدی بامسکرات
- ایجاد علاقه در جامعه ی ایران نسبت به تکنولوژی مفیداروپا
- توسعه تولیدات و کالاهای تولیدی ایران

اشعار آنان بیش تر حاوی غزلیات مبتذل عشقی، مسائل اخلاقی کلیشه ای، مدح رضاه شاه، بحث درباره ی ضررهای قمار و مخدرات، نکوهش باده خواری و تشویق ورزش و حرکات بدنی بود.

پیش از دوره ی مشروطیت اگر چه مدح شاهان در اشعار شاعران معمول بود، ولی زبان و فن شعر، اگر هم تکراری بود، به هر حال از نوعی استحکام و قدرت برخوردار بود. ولی همه ی شاعران دوره ی فترت فاقد کم ترین قدرت و استحکام شعر ی شاعران عهد قاجار بودند. در میان آنان نمی توان یک نفر قآنی و یا سروش سراغ گرفت.

کار شاعران این گروه در هر حال به دور نگاه داشتن مردم از مسائل اصلی، آزادی و نعمات زندگی بود.

در میان این بخش از شاعران که کاری به امور سیاسی نداشتند، کسانی نیز بودند که دست کم در خدمت سیاست نبودند و نوعی اصلاح نسبی را در شعر دنبال می

کردند که تعدادشان بسیار کم بود و از میان آنان می توان از صورتگر، زشید یاسمی و رعدی نام برد. شعر آنان از نظر فرم و تکنیک محکم تر و شاعرانه تر از آثار دوره ی مشروطیت بود و در میان آثار آنان می توان اشعاری را نیز یافت که خوب و خواندنی هستند.

در گروه دوّم که پیوند خود را با زندگی و سیاست حفظ کردند، کسانی بودند که از سنت شعر فارسی حمایت می کردند که تعدادشان هم محدود بود، مانند بهار، فرخی یزدی، پروین اعتصامی، عارف قزوینی و دهخدا. ولی برخی از آنان به ویژه بهار، دهخدا، عارف و پروین در اوج وقایع، شعر را رها کردند.

ولی بخش دیگری از این گروه دوّم هوادار اصلاحات در شعر بودند مانند عشقی که در نخستین روزهای به قدرت رسیدن رژیم کشته شد. ایرج که در اوایل سلطنت رضا شاه در گذشت. لاهوتی که در خارج از ایران به سر می برد و سرانجام نیما یوشیج که در سرتاسر این دوره در انزو و مشغول تجربه و تفکر بود و جز در سال های آخر حکومت رضا خان که برخی از اشعار سفید خود را منتشر ساخت (1318 ش) کار دیگری نکرد. این اشعار در آن ایام برای کسی قابل فهم نبود و به آن ها به دیده ی شوخی و سرگرمی می نگریستند و تنها پس از سقوط رژیم رضا شاه و ظهور مطبوعات آزاد بود که شاعران جوان به دنبال راه های جدید راه افتادند و نیما را کشف کردند و پس از آن حضور شعر آزاد در نشریات فارسی روز به روز گسترده تر شد.

بیش تر مواد به کار رفته در آثار نیما ملهم از شیوه های شاعران غربی بود که در نتیجه ی آشنایی او با ادبیات غرب از طریق زبان فرانسه بود. در نوشته های انتقادی او که به صورت تعدادی رساله ی جداگانه به چاپ رسیده اند می توان نظریات انتقادی مفصلی درباره ی شعر و فن شاعری یافت که همه ی آنها به دلیل ساخت تاریخی شان و نیز به این دلیل که شاهدی بر شعور و تیزبینی استثنایی نیما هستند، دارای اهمیت و ارزش بسیاری هستند.

دوره‌ی پس از جنگ دوم جهانی

(از 1320ش تا انقلاب بهمن)

تا حدود شهر یور 1320ش و کمی پس از آن، تنها نیمایوشیج بود که اشعاری از نوع آزاد که کاملن مخالف با نظم عروضی سنت شعر فارسی بود، می سرود. او در سال 1318ش توانست نمونه‌های جدیدی از آن را به چاپ برساند. ولی تا شهر یور سال 1320ش و یا کمی پس از آن، کسی توجهی به این نوع اشعار نداشت. صدای او جز در مخاطبان بسیار محدود که تحت تأثیر افسانه‌ی او بودند، یعنی چند جوان که متمایل به کشف بودند (و مهم‌ترین شان فریدون توللی بود) بازتابی نداشت.

پس از شهر یور سال 1320ش، با فروپاشی سانسور و احیای آزادی مطبوعات، راه برای تنفس مملکت باز شد. در آغاز، نشریات جدید ادواری در صحنه ظاهر شدند. که از میان آن‌ها می توان از نامه مردم ارگان حزب توده مردم ایران (1325ش)، سخن (1322ش) و پیام نو (1323ش) نام برد. چندین نشریه‌ی زودگذر نیز بودند که هر کدام پس از چند شماره جای خود را به دیگری می سپرد. در این جا و آن جای این نشریات می توان اشعاری از نیمایوشیج و کسانی را دید که گوشه‌ی چشمی به اشعار او داشتند.

اکنون نگاهی به ویژگی‌های شعر فارسی و تجارب نو در داستان نویسی و نمایش نامه نویسی در این دوره بیان‌دازیم:

ویژگی های شعر فارسی:

در میان نخستین نسل شاعرانی که پس از شهریور 1320 ش به سرودن شعر پرداختند، می توان از شاعران زیر نام برد:

دکتر پرویز ناتل خانلری: که پس از نیمابیش ترین تأثیر را در شاعران پس از خود داشت. در واقع می توان گفت که تأثیر او در سال های نخست بیش تر از نیمابود.

محمد علی اسلامی ندوشن، مجدالدین میرفخرایی (گلچین معانی)، منوچهر شیبانی، فریدون توللی و رواهیچ جواهری

دکتر خانلزی با انتشار مجله ی سخن به راه دیگری غیر از راه نیمافتاد. او پیشرو بودن نیمارابسیار دور از جریان اعتدالی یافت و در باره ی او نوشت:

نیمایوشیج اول از همه به دنبال اوزان جدید و غریب رفت و شعر غنایی خود را تحت تأثیر شعرای رمانتیک فرانسه نظیر 'دوموسه' و 'لامارتین' سرود او شعرش را در قالب های این وزن هاریخت. پس از آن بار دیگر این قاعده را در هم شکست و به دنبال نوعی از شعر آزاد با مفاهیم عجیب و مبهم رفت که ویژه ی خودش بود. سبک نیماهنوز (یعنی تا سال 1324 ش) در جذب مردم به طرف خود موفق نشده و به وسیله ی طبقات بالا نیز پذیرفته نشده است.²⁰

²⁰ پیام نو، سال اول، شماره ی ۲، ص: 32

این نشانه‌ی اعتدالی با آنانی پیوند داشت که شعرهایشان در مجله‌ی سخن چاپ می‌شد. در میان آنان فریدون توللی، گلچین گیلانی و بعدها نادر پور نماینده‌ی جناح اعتدالی شعر فارسی شدند.

اگر بخواهیم از شاعران جناح پیشرو نزدیک به نیما نام ببریم، ابتدا نمی‌توانیم کس دیگری جز منوچهر شیبانی را ذکر کنیم، ولی از سال 1327ش به بعد شاعران جوانی که از فرم‌ها و اوزان کهن شعر فارسی بریده بودند کم‌کم افزایش یافتند و نفوذ نیما در همه جا گسترده شد. ترجمه‌هایی از اشعار اروپایی (فرانسوی، انگلیسی و روسی) منتشر شد و مقالاتی درباره‌ی محدوده و میدان اصلاحات شعری با اطلاعات وسیع و آزادی کامل انتشار یافت. این عوامل به تنوع عظیمی در حوزه شعر نو فارسی انجامید.

شعر فارسی، چه اعتدالی و چه پیشرو، دو مکتب به وجود آورد:

- شاعرانی که دیده بر مسائل اجتماعی دوخته بودند.
- شاعرانی که به عشق و دل نظر داشتند و یاد در برابر طبیعت سر تعظیم فرود می‌آوردند.

در میان شاعرانی که بیش تر آثار آنان دارای جهت‌گیری اجتماعی بود می‌توان نیمایوشیج، آینده، شیبانی، کسرائی، سایه (در برخی اشعارش) و ا. بامداد را نام برد و از میان آنانی که به دنیای درون و اعجاب در برابر طبیعت و به نوعی شعر غنایی پرداختند، می‌توان از فریدون توللی، خانلری، گلچین، اسلامی ندوشن و نادر پور نام برد.

نخستین 'موج' شعر نو فارسی که پس از انتشار شعر نیما در صحنه ظاهر شد و معاصر با شهریور 1320 ش بود، 'موج رمانتیسیم' بود. معروف ترین شاعران این موج عبارت بودند از: خانلری، توللی، گلچین و نادر نادرپور. این شاعران در عناصر شعر به نکته‌ای اشاره کردند که آن را می‌توان در مقدمه‌ی فریدون توللی بر نخستین مجموعه‌ی اشعارش (رها، تهران، 1330 ش) مشاهده کرد. توللی در این مقدمه‌ی جالب و شدیدالحن خود بر هواداران سبک سنتی و کهن بانوعی طنز شیواتاخته و انگاره (ایماژ) های کلیشه‌ای شعر آن‌ها و نیز واژگان مکرر و کهنه‌ی آنان را که اغلب خالی از موسیقی بود، به‌بوته‌ی نقد کشیده است. این مقدمه، بیانیه‌ی هواداران رمانتیسیم بود و اصول و قواعدی که او برای شعر نو عرضه کرده بود، عبارت بودند از:

- هماهنگی دقیق اوزان و حالات
- تازگی مضامین و تشبیهات و استعارات
- بی‌قیدی گوینده در به‌کار بردن صنایع بدیعی
- پرهیز از آوردن قافیه‌ها و ردیف‌های دشوار
- ایجاد ترکیبات تازه و خوش‌آهنگ و استفاده از لغات زنده‌ای که فراموش شده‌اند
- شناسایی و انتخاب به‌ترین کلمات
- خودداری از پوشال‌گذاری در محور شعر

بعضی از عنوان های این بیانیه ضد و نقیض بود، ولی به هر حال خود این بیانیه و اعمال حامیان آن، شعر فارسی را برای چندین سال به محیطی کشاند که پر از 'ترکیبات تازه' و 'نور مهتاب' بود و از سوی دیگر محدود به رمانتیک غزل های عاشقانه و تجارب غم انگیز و توصیفی از غروب بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ش در نتیجه ی انتشار برخی از مجموعه های شعر و برخی مقالات، این بار 'موج' دیگری در شعر فارسی رخ نمود. به طور کلی شعر فارسی پس از وقایع کودتای سال ۱۳۳۲ در دو خط افتاد:

- خطی که از آن ذهن های 'امیدوار' بود.
- خطی که به ذهن های 'مایوس' تعلق داشت

در موج جدید، شاخه ی اجتماعی به دلیل وجود سانسور، ویژگی خون و فریاد خود را کنار نهاد و شاعران به میکده ها، تنهایی، افکار مرده، تخیل و تریاک پناه بردند. تمجید از مرگ و نوعی سکوت و طغیان و وحشت بار علیه 'شب' گلوی شعر فارسی را گرفت.

اگر به اشعاری که در طی این سال ها سروده شده است نگاهی بیاندازیم، در همه ی جوانب آن گفت و گواز 'مرگ'، 'زمستان' و 'دیوار' رامی یابیم. شعر به تدریج به نوعی سمبولیسم اجتماعی گرایش پیدامی کند.

شاعران این دوره، که باید آن را دوره ی رشد شعر نو نامید، عبارتند از: فریدون مشیری، نصرت رحمانی، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث (م. امید)، ا.

بامداد، محمد زهری، سایه، کسرابی، مفتون امینی، فروغ فرخزاد، نیمایوشیج و احمد شاملو.

موجی که پس از رمانتیسزم در شعر فارسی ظهور کرده بود، حرکتی بود که از درون شعر نیما سر در آورد و همان 'موج سمبولیسم اجتماعی' بود و شاعران معروف آن عبارت بودند از: احمد شاملو، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری.

شاید بتوان عبارات فروغ فرخزاد را در سال 1339 ش (یعنی ده سال پس از بیانیه فریدون توللی برای موج رمانتیسزم) خلاصه ای از نظریات موج سمبولیسم اجتماعی دانست. فروغ نوشت:

- شعر امروز از ذکر اسامی چیزها و جاهایی که ما از بام تا شام با آن‌ها مواجه هستیم، می‌ترسد.
- محتوای شعر امروز خالی از ژرف بینی است. شاعر با واژه‌ها و تخیلات بیچگانه بازی می‌کند و تخیلات هم نظیر زن زیبایی است که وقتی پلک‌هایش رامی‌گشاید نگاهش مات و بی‌معنی است.
- عشق در شعر امروز یک عشق سطحی است. این عشق در رابطه‌ی جنسی زن و مرد خلاصه می‌شود.
- در شعر امروز از حماسه خبری نیست.

- زبان شعر امروز یک زبان دروغین است. واژه‌هایی که در یک مفهوم عمومی جای پای در شعر امروز پیدا کرده، زیبایی و موسیقی شعر را از بین برده است. شاعر بیش‌تر به زیبایی کلام می‌اندیشد تا به زیبایی مفهوم.
- شعر فارسی نیازمند واژه‌های جدید است. شعر امروز باید جرات دست‌یابی به این واژه‌ها را پیدا کند.

نیمایوشیخ، فروغ فرخزاد، شاملو و تاحدی اخوان ثالث این اصول را در شعر خود مراعات کردند. این بیانیه و اشعار این شاعران بود که ناقوس مرگ شعر رمانتیک را به صدا درآورد. احمد شاملو به لزوم استفاده از واژه‌های کوچه و بازار و زندگی روزمره تاکید کرد و برای گسترش زمینه شعرش کوشید. فروغ فرخزاد نیز پس از او در پیروی او راه را کوبید، ولی شاعران جوان پس از آن‌ها که البته در مسئله زبان سخت کوشیدند، تنها مجموعه‌ای از واژگان را عرضه کردند و هیچ کدام از آن‌ها شعر نگفت.

تا سال 1348 ش که شعر فارسی در نتیجه‌ی وقایعی که در حوزه‌ی متجددین ایران رخ داد، بار دیگر جان گرفت و خون در تار و پودش دوید. شیوه‌ی دیرین یاس و افسردگی جای خود را به امید و شوق داد و 'خون'، 'شقایق'، 'جنگل' و 'مرغان طوفان' روح تازه‌ای در جو مرده و ساکن ایران دمید و جاندارش کرد.

داستان نویسی در معاصر ایران:

اگر چه قصه نویسی در ایران سابقه ی بسیار طولانی دارد و بسیاری از قصه ها مانند 'قصه های هزار و یک شب' از طریق ترجمه از زبان عربی در زبان های اروپایی نیز راه یافته است، لیکن 'قصه نویسی' به مفهوم جدید آن، تاریخ زیادی در ایران ندارد. و عمر آن به یک سده هم نمی رسد.

قصه نویسان معاصر ایران با آثار نویسندگانی چون شیخ موسی نثری و صنعتی زاده کرمانی کار نوشتن رمان های تاریخی را آغاز کرده بودند که از نظر تکنیک و اصول قصه نویسی امروز بسیار ابتدایی و تو خالی بودند.

تاریخ آغاز نوشتن قصه های کوتاه را باید انتشار کتاب یکی بود و یکی نبود نوشته ی سید محمد علی جمال زاده دانست که این کتاب را در سال 1301 ش در برلین منتشر کرد. جمال زاده در مقدمه ی این اثر می نویسد:

هدف من نوشتن قصه ای با سبک ادبی است که از نظر زبان شامل کلمات و اصطلاحات روزمره ی عوام و مردم کوچه و بازار باشد و از نظر توصیف زندگی طبقات مختلف نیز آینه ای برای نمایش جامعه باشد.²¹

انتشار این مجموعه ی داستان نشانگر راه های گوناگون بریدن از زبان فارسی بود، زیرا هم از نظر زبان مردمی و محاوره ای، در برابر زبان نوشتاری و 'قلمی'، و

²¹ مقدمه، یکی بود و یکی نبود، جمال زاده ص: 6

هم از نظر توصیف مفصل قهرمانان داستان‌ها با آثار رمان‌های تاریخی پیشینیان قابل مقایسه نبود. جمال زاده راهی را گشود که نویسندگان بعدی مانند صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، علی دشتی، محمد حجاری و برخی دیگر آن را پیمودند.

سید محمد علی جمال زاده رامی توان بنیادگذار 'مکتب رئالیسم' در ادبیات فارسی نامید. هدایت و علوی موفق‌ترین نویسندگان نسل خود به شمار می‌آیند. تنوع آنان و توانایی‌شان در ترسیم وقایع و مردم به قدری عالی و چشمگیر است که نویسندگان نسل بعد نیز با همه‌ی آگاهی‌شان از کم و کیف قصه‌نویسی آنان و هنرشان، در به‌کارگیری تکنیک قصه‌نویسی، نتوانستند به پای آنان برسند.

صادق هدایت: نشانگر ویژگی‌های چندی از روح طبقه‌ی مرفقی ایران در عصر خود است و این رامی توان در همه‌ی آثارش یافت. یکی از این ویژگی‌ها تنفر او از محیط سیاسی و اجتماعی زمان خودش است. (یعنی در سال‌های 1299 تا 1320 ش) 'بوف کور' و 'سه قطره خون' و 'سگ ولگرد' و برخی دیگر از قصه‌های او تصویر همین تنفر است که در لباس تنفر از زندگی جلوه‌گر شده است. او نیز مانند سایر جوانان نسل خود به نوعی میهن‌پرستی چنگ زد که باعث آن اوضاع سیاسی زمان او بود. هدایت هم مانند برخی دیگر از ملی‌گرایان که توجهی به روند تاریخی و عوامل اقتصادی و سیاسی نداشتند، کوشید همه‌ی گناهان را به گردن اسلام و استیلای عرب بیاندازد. این عقیده در میان افراد نسل او و نیز برخی

از افراد مترقی امروز نیز دیده می‌شود، ولی هدایت یکی از نخستین کسانی است که این خطر ادر آثارش دنبال کرده و نشان داده است.

هدایت را از نظر قدرت نویسندگی و میدان و تنوع زمینه های آثارش باید شخصیت پیشرو در نثرنویسی معاصر فارسی به شمار آورد. به ترین آثار او عبارتند از: بوف کور، سه قطره خون، سایه روشن، سگ ولگرد و حاجی آقا و داش آکل.

بزرگ علوی: که در کنار هدایت قرار گرفته است با آن که آثارش حجم و تنوع آثار هدایت را ندارد، ولی چون در همان نسل و در همان اوضاع اجتماعی زندگی کرده است از برخی لحاظ به هدایت شباهت دارد. روح زندگی و دلبستگی اجتماعی در آثار علوی به چشم می‌خورد که نتیجه‌ی رابطه‌ای است که او با امور سیاسی یک دوره‌ی بیست ساله و یا بیش تر داشته است. شخصیت های قصه های علوی افرادی سخت کوش، دوست داشتنی و ملموس هستند. رمان 'چشم هایش' یکی از به ترین داستان های ادبیات فارسی است که در آن خفقان دوره‌ی بیست ساله‌ی رضا شاهی با مهارت تمام تصویر شده است. زندان نقش زیادی در آثار علوی دارد، زیرا خود زندگی را در زندان گذرانده است. آثار معروف او عبارتند از: چمدان، چشم هایش، کاغذپاره های زندان، پنجاه و سه نفر و نامه ها.

پس از شهریور 1320 ش نسل جدیدی وارد صحنه ی داستان نویسی فارسی گردید که در راس آنان صادق چوبک قرار داشت. او با انتشار 'خیمه شب بازی' در سال 1324 ش نشان داد که نویسنده ای توانا است. پس از او می توان از جلال آل احمد، ابراهیم گلستان، به آذین و سیمین دانشور نام برد که در سال های بعد به شهرت رسیدند.

جلال آل احمد: بین یک قصه نویس و رساله نویس قرار داشت و از این رو چه هنگامی که عضو حزب توده ایران بود و چه هنگامی که همراه خلیل ملکی از این حزب خارج شد و نیروی سوم را ایجاد کرد، چهره ی سیاسی اش در تمام آثار او دیده می شد. وی که یکی از نویسندگان مردمی بود زبانی آفریده بود که دارای ایجاز عبارات و بسیار به زبان محاوره ای نزدیک بود. آثار معروف او عبارتند از: دید و باز دید، ازرنجی که می بریم، سه تار، زن زیادی، سرگذشت کندوها، مدیر مدرسه، نون و القلم، غرب زدگی و روشنفکران.

سیمین دانشور: همسر جلال آل احمد، با انتشار 'سوشون' در ردیف نخست نویسندگان قرار گرفت. منتقدان ادبی این رمان را اگر نه به ترین، ولی یکی از دو یا سه رمان اصلی زبان فارسی به شمار آورده اند.

صادق چوبک: پس از خیمه شب بازی، انتری که لوطی اش مرده بود، چراغ آخر، روز اول قبر، سنگ صبور و تنگسیر را نوشت و در توصیف قشرهای پایین جامعه مهارت داشت.

ابراهیم گلستان: نیز که با حزب توده ایران آغاز کرده بود، همان راهی را رفت که آل احمد رفت، لیکن بعدها نظریاتش در باره ی هنر تغییر یافت و به نوعی 'فرمالیسم در هنر' رسید. آثار او تحت تأثیر نویسندگان امریکایی قرار دارند و او یکی از اولین کسانی است که آثار همینگوی را به زبان فارسی برگرداند. آثار او عبارتند از: شکار سایه، آذر ماه و آخر پاییز، جوی و دیوار و تشنه، مهر و ماه و نثر او شاعرانه و جذاب است.

جمال میر صادقی: که کار خود را با مجله ی سخن آغاز کرد و با انتشار نخستین مجموعه ی قصه های خود به نام 'شاهزاده خانم سبز پوش' به عنوان نویسنده ی موفق رئالیسم اجتماعی پا به عرصه ی ادبیات گذاشت. دیگر مجموعه های قصه های او عبارتند از: چشم های خسته ی من، شب های تماشا و گل زرد، درازنای شب (رمان)، شکسته ها، این سوی تل های شن، نه آدم و نه حیوان.

محمود اعتمادزاده: (به آذین) یکی از نویسندگان معروف و مترجمان نسل خود بود. او طرفدار رئالیسم اجتماعی بود و تحت تأثیر ادبیات روسیه قرار داشت. وی تعدادی از آثار درجه اول را از فرانسه و روسیه ترجمه کرده و در این کار مهارت بسیاری نشان داده است. او با نوعی نثر پیچیده و محکم همراه با احساس انسانی می نوشت ولی تکنیک قصه هایش به پای قدرت تفکر و استحکام نثرش نمی رسد.

بهرام صادقی: نیز که مانند جمال میرصادقی با مجله ی سخن به کار ادبی آغاز کرده بود، ابتدا داستان بلندی به نام ملکوت چاپ کرد و سپس مجموعه ای از داستان های کوتاه به نام سنگ و قمقمه های خالی منتشر ساخت. وی از نظر فرم داستان ماهر تر است از محتوا، و آثارش نشان دهنده ی نوعی طنز است.

دکتر غلامحسین ساعدی: (گوهر مراد) از نویسندگان موفق و موثر بود که در میان نسل خود جای جلال آل احمد را گرفته بود، با این تفاوت که به جای رساله نویسی به نمایش نویسی روی آورد و در این نوع ادبی (ژانر) در راس قرار گرفت. مجموعه ی قصه های او عبارتند از: عزاداران بیل، واهمه های بی نام و نشان، ترس ولرز، دندیل، گورو گهواره.

قدرت ساعدی: در قصه نویسی فوق العاده اسنت و می تواند به یک داستان بی محتوا معنی ببخشد. قهرمانان قصه های او مانند شخصیت های قصه های چوبک از طبقات محروم و بدبخت جامعه ی ایران هستند. وی با آن که نویسنده ای واقع گراست، ولی ابعاد زمانی و مکانی داستان های خود را طوری جلوه گر می کند که چارچوب داستان را اقوام می بخشد و بر زیبایی آن می افزاید.

فریدون تنکابنی: نیز یکی از قصه نویسان این نسل است که با انتشار تعدادی از مجموعه داستان با عنوان: پیاده شطرنج، اسیر خاک، چای و گپ و سیاست، ستاره های شب تیره، مردی در قفس شناخته شد. او دارای نثری عالی است ولی از نظر تکنیک قصه نویسی آشنایی زیادی ندارد. در نظر او فکر مهم تر از فرم است.

هوشنگ گلشیری: قصه نویس دیگری بود که با انتشار داستان بلند 'شازده احتجاب' جایی در میان قصه نویسان نسل خود باز کرد. از او مجموعه ای با نام 'مثل همیشه' و یک داستان نیز به نام 'کریستین و کید' چاپ شده است. وی تحت تأثیر نویسندگان امریکایی و هوادار فرم و تکنیک 'جریان حس آگاهی' ویلیام فالکنر بود.

نادر ابراهیمی: نویسنده‌ای است که آثار بسیاری دارد. وی تجربه‌گر بزرگی است و آثارش محتوای محکمی ندارد.

محمود کیانوش: از شاعران و نویسندگان این نسل است که نثری بسیار پیچیده و شاعرانه دارد. او شاعری است که قصه‌می‌نویسد و در شاعری فعال تر است از قصه‌نویسی. برخی از قصه‌های او عبارتند از: آینه‌های سیاه، غصه‌ای و قصه‌ای، در آن جاهیچ کس نبود، مرد گرفتار.

صمد بهرنگی: یکی دیگر از نویسندگان جوان آن دوره بود که در سال 1347ش به طرز مرموزی در رودخانه‌ی ارس غرق شد. آثار او به طور گسترده‌ای منتشر شد و از محبوبیت زیادی برخوردار گردید. صمد قصه‌هایش را بیش تر برای کودکان می‌نوشت ولی 'ماهی سیاه کوچولو'ی او مورد مطالعه‌ی بزرگ سالان قرار گرفت. وی خود را وقف مردم کرده بود و برخی از آثارش گنجینه‌ی ادبیات عامه در آذربایجان ایران است.

در نسل‌های بعدی به ترتیب می‌توان از نویسندگان زیر نام برد:

- درویش، رسول پرویزی.
- بهمن فرسی، بابا مقدم
- گلی ترقی، مهشید امیر شاهی، احمد محمود، امین فقیری، شمیم بهار، ناصر تقوایی، محمود دولت‌آبادی.

نمایش نامه نویسی:

تأثر به معنی امروزی آن تا سده ی اخیر در شرق وجود نداشته است. به احتمال قوی نخستین کسی که در آسیا به نمایش نامه نویسی پرداخته است میرزا فتح علی آخوندزاده است که در سال 1238 ش چندین نمایش نامه به زبان آذربایجانی در قفقاز نوشته است. میرزا جعفر قراچه داغی این نمایش نامه ها را بلافاصله با راهنمایی خود آخوندزاده به فارسی ترجمه کرد و از اقبال عمومی برخوردار شد و تأثیر و نمایش نامه نویسی از زمان ناصرالدین شاه بود که در ایران ظاهر گردید.

پیش از این دوره، آثاری در ایران وجود داشت که دارای هسته ای از نمایش نامه نویسی بوده است، یعنی قطعاتی گوناگون و مضحک که اکنون نیز می توان آن ها را در برخی استان ها مشاهده کرد.

در عهد صفوی آثار نمایش گونه ای در باره ی زندگی و شهادت امامان شیعه و به ویژه امام حسین و یاران او در فاجعه ی کربلا نوشته شده است که به نام 'تعزیه' یا 'شبییه خوانی' شهرت دارند.

آشکار نیست که تعزیه و شبیه خوانی پیش از صفویان چه نهادی بوده است که بعدها در شکل کهنش به عهد صفویان رسیده است. احتمال دارد که صفویان به علت آشنایی با غرب، این نمایش گونه ها را به تقلید از نمایش نامه هایی ساخته باشند که در باره ی قدیسیان دین مسیح در اروپا رایج بوده است.

به هر حال نکته‌ی مهم این است که ادبیات ایران و اسلام اهمیتی برای 'درام' قایل نبوده‌اند. از این رو نیز 'شاعرانه‌های ارسطو' برای آنان غیر قابل ترجمه بوده است و هنگامی که مفسران مسلمان خواستند نظرات خود را درباره‌ی فلسفه‌ی ارسطو رایج کنند، آن‌ها را نامفهوم دانستند و یا کوشیدند ترازدی، مرثیه یا کمدی را با هجو و مرثیه و از این قبیل منطبق سازند، زیرا در ادبیات عرب هجو و مرثیه رایج بود.

نکته‌ی مهم دیگر آن است که علت این مساله که چرا ادبیات نمایش نامه نویسی در ایران پانگرفته بوده است، به ساخت طبقاتی و نظام حکومت استبدادی آن بر می‌گردد، زیرا تار و پود این نوع ادبیات را 'نقادی' بافته است و حکومت استبدادی اجازه‌ی رشد آن را نمی‌دهد. تجربه نیز نشان داده است که تنها در دوره‌هایی که نسیم آزادی در ایران وزیده است جنبشی در این ژانر هنری ایجاد شده است. مثلن به هنگام برقراری مشروطیت، در زمان تبعید رضا شاه و یاپس از جنگ دوّم جهانی.

با آن که پس از نمایش نامه‌های میرزا فتح علی آخوندزاده، تعدادی نمایش نامه‌ی دیگر نیز در ایران نوشته شد، ولی باید گفت که آغاز کار تئاتر ایران در پس از سال 1320 ش قرار دارد، یعنی در آن هنگام که مردم پس از تبعید رضا شاه به آزادی رسیده بودند و تا پیش از آن، یعنی در همان دوره‌ای که نمایش نامه‌های آخوندزاده منتشر گردید، ملکم خان نیز نمایش نامه‌هایی در ایران نوشته و منتشر ساخته بود و تا اواخر جنگ دوّم جهانی نیز نویسندگانی مانند رضا کمال شهرزاد،

عشقی (شاعر معروف)، حسن مقدم (علی نوروز)، ابوالحسن فروغی (نمایش نامه‌ی منظوم) نمایش نامه‌هایی نوشته و منتشر ساخته و روی صحنه آورده بودند که بیش تر شان بانوعی ملی گرای عجین شده بودند و جایی برای نقادی اخلاقی یا اجتماعی نداشتند.

ولی پس از شهریور 1320 ش میدانی وسیع برای رشد همه‌ی انواع هنر گشوده شد و ادبیات نمایش نامه نویسی نیز که اکنون می توانست نقادی کند، به راه رشد افتاد. در این دوره، ترجمه‌ی آثار کلاسیک جهان در این زمینه آغاز گردید و آثاری از شکسپیر، آخیلوس، شیلر، مولیر، گوگول، چخوف، گورکی، سارتر، کامو و دیگران ترجمه شد و نویسندگان ایرانی مانند صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و صادق چوبک توجهشان را به نمایش نامه نویسی معطوف کردند. تئاتر نیز در تهران و دیگر ایالات ایران تاسیس شد.

شخصیت بزرگ تئاتر ایران پس از جنگ دوم جهانی عبدالحسین نوشین بود.

تئاتر ایران پس از کودتای 28 مرداد سال 1332 ش به تدریج افول کرد و فقط بعدها چند درام نویس خوش قلم و معروف ظاهر شدند که عمده ترین آنان دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) بود.

بهرام بیضایی و اکبر رادی نیز از بزرگان این عرصه به شمار می آیند.

فصل سوم

عدم مساوات بین مرد و زن
در آثار جمال زاده

عدم مساوات بین مرد و زن در آثار جمال زاده

عدم مساوات بین مرد و زن یکی از شاخص ترین موضوعی از موضوعات ادبیات معاصر ایران و نیز کل جهان است. عدم مساوات بین مرد و زن به الفاظ دیگر نابرابری جنسیتی و تفاوت جنسی معرفی می شود یکی از مواردی است که در غرب بعد از جدائی دین و از امور زندگی مطرح شد. در اروپا پس از پذیرش دموکراسی به مساوات و برابری اتباع و نقش آن ها در زندگی سیاسی و اجتماعی تأکید صورت گرفت. نویسندگان و روشن فکران و سخنوران آن زمان به این موضوع خیالات و افکار خودشان را در آثار ذکر نموده اند و نیز برای حل مشکلات نظریات و عقاید خودشان را بیان کرده اند.

معرفی عدم مساوات بین مرد و زن (Gender Inequality): عدم مساوات به واژگان دیگری مانند: نابرابری، عدم تساوی و تفاوت جنسی تعریف می شود. انسان از جهات گوناگون منجمله: جنس، سن، نژاد، مذهب و استعدادها از یک دیگر متفاوت اند و نیز در عرصه های سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ به شمار می رود. اما این نابرابری ها که در ارتباط با اختلاف جنسی است ولی عملاً

زنان و مردان در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماع از جمله فرصت‌های شغلی و مانند آن در عوامل بسیاری همراه‌اند.

عدم مساوات بین مرد و زن به موقعیت‌های نابرابری بین افراد اشاره می‌شود که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی باشد. نابرابری جنسیتی بنیان‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. عمده‌ای از محققان معتقداند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. درباره عدم مساوات و نابرابری جنسیتی منتقدین و روشنفکران آرای خود را زیر نظر گذرانده‌اند که یکی از آنها علی‌کمالی هستند که در مقدمه‌ای که بر کتاب جامعه‌شناسی و نابرابری‌های اجتماعی نوشته‌اند در آن دیدگاه خود را به این‌طور بیان می‌کنند:

”نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌های است که جامعه در رفتار و برخورد افراد بین آنها قائل می‌شود. علت این فرق گذاری مشخصه‌هایی هم چون طبقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت و جنس است.“²²

بنابر این عدم مساوات بین مرد و زن در اجتماع ایران و نیز تصرف موقعیت‌های نابرابری اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کم‌یاب از

²² مقدمه بر جامعه‌شناسی و نابرابری‌های اجتماعی، کمالی، علی، تهران، ص: 4

قبیل ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد گروه‌ها که برای افادیت خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات آنها اثر تعیین کننده دارند.

پاملا آبت (Pamela Abbott) که از نویسندگان و روشنفکران معاصر به شمار می‌آید وی دربارهٔ عدم مساوت و نابرابری زن و مرد نظریات و اعتقاد خود را در کتابش 'جامعه‌شناسی زنان' ذکر کرده است که عدم مساوات یک واژه‌ای اصطلاحی است که با زمان و مکان و به اعتبار اجتماع مختلف معرفی می‌شود. چنانچه می‌نویسد:

نابرابری جنسیتی مقوله‌ای است که از آغاز سپیده دم تاریخ تا اکنون همراه بشریت وجود داشته و هر زمان و فرهنگ‌های مختلف به گونه‌ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه نموده است. و برابری و نابرابری جنسیتی از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.²³

زن و مرد دو انسان اند و در انسانیت متساوی یعنی در آنچه که به انسانیت، انسان مربوط می‌شود برابر و همانند یکدیگر اند ولی در عین حال مرد، انسان مذکر است و زن، انسان مؤنث. در خود طبیعت، میان مرد و زن تفاوت‌های بسیاری است؛ زن چیزهای از احساسات، عواطف، طرز تفکر، طرز برداشت، توانائی‌ها

²³ جامعه‌شناسی زنان، پاملا آبت، کلر والاس، (ترجمه: منیژه نجم عراقی)، ص: 54

و استعداد های بدنی دارد که مرد ندارد و علاوه از این مرد دیگر خصوصیات گوناگونی دارد که زن ندارد. در عین حال که هر دو یعنی مرد و زن در انسانیت با یک دیگر متشابه و متساوی هستند این جهت را هم نباید فراموش کنیم که در متن خلقت و فطرت مدار و فعالیت های زن و مرد تفاوت های دارند.

زن و مرد از نظر حقوق متساوی اند ولی متشابه نیستند. تساوی توجه به کمیت است. ارزش کمی حقوق زن و مرد برابر با یک دیگر است بلکه بعضی ارزش کمی حقوق زن بیشتر از مرد است، اما از نظر کیفی این طور نیست و وظائف و حقوق این دو از نظر کیفیت از یک جنبه هایی متفاوت است. یکی از افتخارات حقوق اسلامی این است که حقوق زن و مرد را متساوی می دارند ولی متشابه نمی دارند. اسلام اصل مساوات انسان ها را در باره مرد و زن نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست بلکه با تشابه آن مخالف است.

یکی از تفاوت های قراردادی و اجتماعی زن و مرد حجاب است و معنی اصطلاحی و عرفی آن این است که اسلام حضور اجتماعی زن را نسبت به مردان با پوشش بیشتری مقید کرده است. نکته ظریفی این که حجاب هرگز به معنی حصر و محدودیت زن نیست.

نابرابری جنسیتی یا عدم تساوی بین مرد و زن از نظر قرآن و اسلام، گرچه از لحاظ خلقت متحیل به خصوصیات جداگانه اند ولی از روی هویت انسانی و بهره های روحی و ایمانی برابر اند و نیز در حقوق اجتماعی و انسانی متساوی اند.

با وجود این که خداوند در قرآن به جز چند استثناء، زنان را مورد خطاب خود قرار داده است در آیاتی که متعلق به احکامات اجتماعی و خانوادگی اند، جایی که مردان مخاطب مستقیم آیات خداوندی اند همواره از آنان زنان را هم با صیغه غائب یاد کرده است، به همین سبب زنان مکلف احکام دینی هستند و در سایر احکام دینی مانند مردان، زنان هم مکلف احکام خداوندی هستند.

سید محمد علی جمال زاده نخستین نویسنده ایرانی است که برای نوشتن داستان به شیوه اروپایی در طرز جدیدی مهارت تامه دارد. اولین مجموعه او یکی بود و یکی نبود در آغاز ادبیات واقع گرایی ایران دانسته می شود. مهم ترین مضامینی که در داستان های جمال زاده مطرح شده اند، عبارت اند از: مضامین اجتماعی و سیاسی که یکی از آن موضوع ها مسئله زن است. زیرا که جمال زاده در زمان کودکی خود فرهنگ ایران از نزدیک دیده بود و به همین سبب از ایران خارج شده بود و بیشتر از زندگانی خود خارج از ایران گذراند. دوری جمال زاده از ایران بر دیدگاه او در باره بسیاری از مسائل اجتماعی تأثیر گذاشت که یکی از آن مسئله زن است. معمولاً زنان در آثارش از دوره قاجار اند و عموماً بی سواد اند. او بسیاری از وقایع و تحولات فرهنگی جامعه ایران را هم در آثار خودش مورد نقد خود بررسی قرار داده است.

در عصر بیداری و آستانه مشروطیت یکی از ارمان های آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی، طرح مسئله زنان به طرز نوین بود که بنابر این حضور زنان در عرصه زندگی و در میدان ادبی به شیوه جدیدی مطرح شدند و موضوع آثار ادبی

مردان هم قرار گیرند. یکی از آن موضوع‌های مهمی که در نخستین رمان‌های اجتماعی بعد از مشروطه مطرح شده بود مسئله زنان و شخصیت‌های متعددی آنان بود که هر کدام موضوعی از موضوع‌های عصر خود را نشان دادند. و نویسندگان می‌توانستند با استفاده از این قهرمان‌ها دیدگاه خاص خود را نشان بدهند و توجه خوانندگان را به سوی خود جلب بکنند.

در ادبیات داستانی جدید، زنان موضوع داستان‌های متعدد قرار گرفته‌اند، چه بعنوان قهرمان و ضد قهرمان و چه بعنوان موضوع‌ها که مرتبط به دنیای زنان هستند در داستان‌های جدید انعکاس یافته‌اند که از آن مسائل حقوق زنان و رفع حجاب و آزادی‌های جنسی و برابری آنان به مناسبت فرهنگی غرب، در ادبیات داستانی مورد بررسی قرار گرفته است و نیز حضور زنان و فعالیت‌های آنان در ادبیات داستانی ایران مؤکداً ذکر شده است. آثار کسانی که در آن زمان که موضوع‌های زنان و مسائل اجتماعی را در ادبیات داستانی خود مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند عبارت‌اند از: جمال زاده، صادق هدایت، جلال آل احمد، بزرگ علوی، صادق چوبک و سمین دانشور و غیره. علاوه بر این سخنوران هم هستند که در مورد این مضامین نظریات خود را در آثارشان نشان داده‌اند و نیز برای رفع آن مشکلات کوشش بسیاری صرف کرده‌اند. از آنها مانند: فروغ فرخزاد و غیره

حقوق زنان و ضرورت اصطلاحات اجتماعی و افلاس نظام‌های حکومتی از زمان‌های پیش مضمون اصلی و محور توجه شعر نقادانه و رمان‌های تاریخی بود.

جمال زاده این نشانه‌ها را چون که حقوق زنان و ضرورت اصلاح اجتماعی و نیز بدعنوانی نظام حکومت را شعراء و نویسندگان در شعر نقادانه و رمان‌ها و داستان‌های خودشان از زمان حای پیش‌مورد توجه قرار دادند و مضمون اصلی آثار خود قرار داده بودند. جمال زاده نیز این مضامین را در ادبیات معاصر ایران در آثار خود چون داستان‌های کوتاه، داستان بلند و در دیگر آثار خود بیماری‌های اجتماعی و فروماندگی فرهنگی و ظلم ستم حاکمان و بی‌توجهی در مورد حقوق و جایگاه زنان را مورد بررسی قرار داده است.

انقلابات که در هر سرزمین رونمایی شوند و زیر تأثیر این وضعیت اجتماعی و سیاسی و نیز ادبیات دگرگون می‌شود که از آنها انقلاب اسلامی ایران است که در زمین‌های مختلف ایران بسیار تحولات انجام داده است که از آنها این است که در این دوره به جانب حقوق و مقام زنان مردم متوجه شدند و در میان خودشان مقام و مرتبت عظیمی دادند. از این رو در ایران کنونی زنان در اجتماع به هر لحاظ به نظر عزت و احترام دیده می‌شوند و نیز برای حل مسائل علمی و فرهنگی و اجتماعی با مردمان کارهای خودشان انجام می‌دهند.

بعد از موفقیت انقلاب اسلامی که زنان قبل از آن در اجتماع ایران هیچ اهمیتی ندارند در این دوره اهمیت خاصی داده شدند که در تاریخ ایران اولین بار در این دوره با مردم عامه آنان هم‌مشارکت کار اجتماعی و سیاسی شدند و نیز در علوم عصری و دینی با مردم مشارک شدند تا آنکه در ادبیات هم سهم خاصی خود را ایفا نموده‌اند.

عقاید و نظریات جمال زاده درباره زنان:

جمال زاده که برای داستان نویسی در سراسر زمینه ادبیات فارسی خیلی مشهور و معروف است. و نیز در این زمینه گسترش دادن مضامین جدیدی که از غرب ماخوذ اند جالب توجه هم عصران است. یکی از آن مسائل گوناگونی مسائل زنان است که وی درباره مسائل زنان نظریات و اعتقاد خود را از هر جهات در آثارش مورد بررسی قرار داده است و نیز این مضمون را به اندازه خوبی بیان نموده است. معاصرین جمال زاده در این مضمون پیروی او کردند و کوشش های بسیاری در این زمینه صرف کردند ولی به منزله او نرسیده اند.

بهر حال، این نکته را باید در نظر گرفت که جمال زاده اگر چه پایه گزار داستان نویسی به شیوه نوین در ایران است، اما هنوز متأثر از متون گذشته است. اوزن و مسائل آنان را مضمون داستان های خود مورد نقد قرار می دهد.

در داستان های جمال زاده زنان کم تر دیده می شوند. اما چند تا زنان که نشان داده شده اند از آنها زیاد تر حقیر شده و مورد ظلم و ستم اجتماع قرار گرفته دیده می شوند. او در چند مورد از زنان تأثیر گذاری کرده است.

در مورد برابری حقوق زن و مرد باید گفت که اسلام برای زن همپای مرد، حقوقی قائل است که این حقوق را عین هم نمی داند. به عبارتی دیگر برابری و تساوی حقوق زن و مرد را می پذیرد و تصدیق می کند. نه همانندی و یکسانی آنها را، چون معتقد است که هر یک با ویژگیهای فطرت و سر نوشت خویش آفریده شده اند و بنابراین هر کدام باید که انجام وظیفه خاصی را که به عهده او و متناسب با ساحت وجودی اوست، بپردازد.

جمال زاده در مورد زنان بسیار متفکر بود و زنان را محترم می شمارد همین سبب است که بر لزوم احترام به زن بسیار تاکید می ورزد. چنانچه می گوید:

قبل از هر چیز باید زن را محترم شمرد و تمام شرایط احترام

را در حق او رعایت نمود.²⁴

جمال زاده زنان را بسیار دوست دارد و تعظیم و اکرام هم می کند و نیز درباره مسائل و مشکلات زنان ایرانی که در آن زمان در طی زنان مردم می سازند از آن بی تفاوت و بی خبر نبود بلکه برای خوش ساختن وضعیت آنان در اجتماع نظریات و عقاید خود را در صحرای محشر درباره جنس زن اظهار نظر کرده است. چنانچه می نویسد:

²⁴ تصویر زن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: 130

افسوس وقتیکه پای جنس زن به میان می آید، چشمها
کور و گوشها کرو عقل بیچاره و ابتر می گردد. زن مانند
همه چیزهای خوب و نازنین این دنیا گلی است که
خارهای گذشته ددارد و شرابی است که خمارش دوداز
نهاد بر می آورد.²⁵

و نیز از روی دین اسلام احترام و اکرام زنان بر ما لازم است زیرا که رسول اکرم
صلی الله علیه وسلم در مورد گرامی زنان فرموده است: من اتخذ امرأة
فلیکرمها.²⁶ یعنی تعظیم و احترام زنان بر مردان لازم است.

²⁵ صحرای محشر، جمال زاده، ص: 111

²⁶ البخاری، باب فضل حب النساء، ص: 224

مرد بی زن صرف نیم آدمست

نیم آدم هر کسی باشد کمست

زن بسازد نیک نام مرد را

زن نماید نخه خام مرد را

زن بدون مرد هم بی حاجتست

حفظ مردان هم بزنها واجبست

مرد و زن بایکدیگر چون شاخ و گل

آن یکی میوه دهد دگر قبول

بررسی آثار: جمال زاده دربارهٔ تعلیم زنان خیلی متفکر بود و از سن شعور خود بی سواد و نابسامانی های زنان ایرانی را احساس کرده بود و همین سبب شد که او در آثار خود با ذکر حالات و کوائف آن زمان بی سواد و ستم کشیدگی زنان ایرانی را باین طور بیان کرده است که از آن ظاهر می شود که تحصیل تعلیم در آن روزگار برای جنس زنان فعل قبیحه بود و مردم اجازه نمی دهند که زنان تحصیلات خود را ادامه بدهند. جمال زاده همین اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران را در نوشته هایش گاهی گاهی به اندازه خوبی نشان داده است که یکی از آنها این است که او در یک مصاحبه ای بیان نموده است که از آن نابرابری جنسیت و عدم مساوات بین مرد و زن ظاهر و آشکار می شود.

..... راجع به زنان حرف های دارم..... می خواهم بینم
آیا این انصاف است که در ایران ما، سی میلیون مرد با سی
ملیون زن بد رفتاری می کنند، زن را از تعلیم و تربیت
محروم بداریم؟²⁷

از این طور معلوم می شود که در زمان پیش یعنی قبل از بیداری ایران حالات فرهنگی ایران خیلی بد بود و زنان در خانه ها محصور بودند و به همین سبب زنان ایرانی در آن زمان از احوال اجتماعی ایران ناواقف بودند و از اوضاع اجتماعی و سیاسی هیچ سروکاری نمی دارند. همین سبب بود که جمال زاده بازن فرهنگی

²⁷ مجله کیهان، مصاحبه، جمال زاده، سال 1372 ص: 3

(خارجی) ازدواج کرده بود، زن او بسیار باسواد بودند که با زبان ادبیات هماهنگی دارند. زن دوم او زبان آلمانی، زبان فرانسه، زبان انگلیسی و زبان فارسی خوب می‌داند.

جمال زاده دربارهٔ تعلیم زنان بسیار متفکر بود و برای تعلیم آنان بهر صورت کوشان بود که نظریات خود از آیه قرآنی به این طور باتاکید ذکر کرده است:

ما باید این حدیث را بطور جدی دنبال کنیم که ”طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة“²⁸ یعنی دخترها فریضه دارند که علم یاد بگیرند، ولی مادرها را در سن یازده سالگی شوهر می‌دهیم.²⁹

از این عبارت جمال زاده عدم مساوات بین مرد و زن را به این طور آشکار می‌کند که حصول دانش و فضل فقط برای پسران (مرد) لازم و ضروری نیست بلکه ما باید که دختران (زنان) را هم برای حصول تعلیم اجازه بدهیم؛ که در حدیث نیز برای تعلیم آنان اشاره است.

جمال زاده به جای دیگر در کتاب خود ’تصویر زن در فرهنگ ایران‘ احوال و اوضاع زنان ایرانی آن زمان را مورد بررسی قرار داده است که در آن زمان نسبت

²⁸ در این پارچه حدیث واژه مسلمة زیاد است. در اصل حدیث واژه مسلمة موجود نیست ولی بر زبان مردم رائج است. واژه مسلم به هر دو جنس اشاره می‌کند، مانند دیگر احکامات دینی که به واژه مذکر، مؤنث هم مکلف احکام باشند.

²⁹ نقد آثار محمد علی جمال زاده، عبدالعلی (منقول از: دستغیب)، تهران، ص: 182.

به زنان هیچ توجهی مردم نبود و زنان در جهالت و گمراهی زندگی بسر می کنند و نیز مردم بر آن ظلم و ستم می کنند و رفتار بدی در حق آنان انجام می دهند. می نویسد:

من با زن قهر نبوده ام و قهر نیستم و زن را دوست دارم و امید وارم تا پایان عمر؛ یعنی مادامی که نیروی زندگی و عقل و فهم و ادراک و حس و مشاعرم در کار باشد، دوست بدارم و مخصوصاً محترم بشمارم و نیز از ظلم و ستمی که از طرف طبیعت و مخلوق نسبت به زن رفته است، متأسف و متأثر باشم و از جان و دل دعایم کنم که روز به روز از این بیدادگری و بی انصافی و اعتاف بکاهد و سرانجام روزی به رسد که در روی کره ارض، این آزادی و برابری زنان با مردان که آن همه از آن سخن می رود و هر روز آدمیان بدان نزدیکتر می شوند، تا جایی که امکان پذیر است، از قوه به فعل آید.³⁰

جمال زاده از این عبارت عقاید خویش را ظاهر می کند که عقاید من درباره زنان ظلم و ستم رساندن به آنان نیست بلکه این است که مردم را باید که زن را دوست بدارند و نسبت به آنان حسن اخلاق و رحم دلی را پیش بکنند و این بیدادگری و

³⁰ تصویر زن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: 129

بی انصافی و عدم مساوات را دور بکنند تا احوال زنان در جامعه ما درست و خوشگوار بشود و زنان هم برابر و مساوی مردان دیده می شوند.

همین طور جمال زاده در آغاز این کتاب (تصویر زن در فرهنگ ایران) قولی از ویکتو هوگو (Victor Hugo) درباره لزوم احترام زن ذکر کرده است. ویکتو هوگو شاعر و داستان نویس و مفکر فرانسوی درباره زن می گوید:

هر جا که زن محترم باشد، خدایان در آنجا خوشدل اند و
هر جازن را خوار دارند، دعا و راز و نیاز با خداوند در آنجا
هدروبی حاصل است.³¹

بیله دیگ و بیله چغندر: این داستان از مجموعه 'یکی بود و یکی نبود' است که در این داستان حکایاتی از رفتار و عادات های ایرانیان خصوصاً خرابی های اجتماع که در دوره مشروطیت و بعد از آن شروع شده بود و نیز یک دوره جدیدی آغاز شده بود و همه مردم ایران تا آن که زنان هم به این طریق کوشیده بودند که از همین جهات اجتماع، آزاد بشوند و آنها در این زمینه یک کمی موفقیت به دست آوردند که یکی از آن آزادی زنان بود که قبل از آن زنان در خانه های خود مقید و محصور بودند و در قید و بند و نیز در تنهایی زندگی می گذراندند.

³¹ تصویر زن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: 2

همین نابرابری جنسیت و عدم مساوات بین مرد و زن را جمال زاده در داستان خود 'بيله ديگ و بيله چغندر' به طور خوبی نشان داده است که مردم در آن دوره زنان را چطور مقید و محصور کرده بودند که در اجتماع ایران موجودیت آنان کمتر یا مفقود بود. او درباره آزادی زنان از این قید و نیز در مورد احقاق حق آنان معرفی می کند.

یک چیزی غریبی که در این مملکت است این است که گویا اصلاً زن در آن وجود ندارد. تو کوچه ها دخترهای کوچک چهار پنج ساله دیده می شونی ولی زن هیچ در میان نیست. در این خصوص هر چه فکر می کنم عقلم به جایی نمیرسد. من شنیده بودم که در دنیا 'شهر زنان' وجود دارد که در آن هیچ مرد نیست ولی 'شهر مردان' به عموم نشنیده بودم. در فرنگستان می گویند ایرانیها هر کدام یک حرم خانه دارند که پراز زن است، الحق که هم وطنانم خیلی از دنیا بیخبرند. در ایران که اصلاً زن پیدا نمی شود، چطور هر نفر می تواند یک خانه پراز زن داشته باشد؟³²

جمال زاده در این پارچه عبارت وضعیت زنان ایرانی هویدامی سازد که مردمان ایران زنان را به طور کلی در خانه ها این طور مقید ساخته اند که معلوم می شود که در اجتماع آنان زنان وجود ندارند. هر جافقط مردم دیده می شوند. از این عبارت

³² بيله ديگ و بيله چغندر، یکی بود و یکی نبود، جمال زاده، ص: 54

وضع وارتباطِ زنانِ آن زمانِ ظاهر می شود و نیز آشکار می شود که زنان چه قدر محبوس در خانه های خودشان بودند.

توی خانه ماندن و محدودیت با سهم زن

سهم تو آزادی و حال و رفاهت مال تو

خانه داری، آشپزی، نشی گری شد کار زن

هم ریاست هم وزارت هم قضاوت مال تو

جمال زاده در همین داستان (بیله دیگ و بیله چغندر) جای دیگر برای آزادی و کشف حجاب زنان و وضع اجتماع ایران را به این جهت توصیف کرده است که از آن عدم تساوی و تفاوت بین مرد و زن دیده می شود، چنانچه می گوید:

یک قسمت عمده مردم که تقریباً نصف اهل مملکت هستند، خودشان را سر تا پای توی کیسه سیاهی می بندند و حتی برای نفس کشیدن هم روزنه ای نمی گذارند و همین طور در همان کیسه سیاه تو کوچه رفت و آمد می کنند. این اشخاص هیچ وقت نباید صدایشان را کسی بشنود و هیچ حق ندارند در قهوه خانه یا جای داخل شوند.

در مجلس های عمومی هم از قبیل روضه و عزا جای
مخصوص دارند. این اشخاص تا وقتی تک تک هستند،
هیچ صدا و ندایی از آنان بلند نمی شود، ولی همین که باهم
جمع می شوند، غلغله غربی راه می افتد.³³

جمال زاده در این جزو داستان خود به این طور عدم تساوی را بیان کند که مرد
برای رفت و آمد هر جا آزاد هستند ولی زنان مقید با چند شرائط هستند که زنان
سراسر زیر حجاب باشند؛ کیسه سایه آن حجابی رامی گویند که سر تا پا مکمل
محبوب بسازد. و اجازه ندارند که به جای لهور و لعب بروند و تا آنکه اگر در
مجالس عمومی دینی یعنی عزاداری و غیره بروند آن وقت جای مخصوص
برای آنان مختص کرده بودند.

اگر چه پوشیدن حجاب در آن دوره، نه حجابی است که مدنظر اسلام، و نه آن
که روزگار باستان رواج داشت. بلکه حجابی است که در اثر قرنهای تعصب،
جهالت و افراط اجتماع بر زنان تحمیل کرده بودند.

مشکل اصلی زنان در فرهنگ گذشته ایران حجاب بوده است که بسیاری از
روش فکران آن زمان، رفع آن در حق زنان ایرانی و جهان و آزادی او دانسته اند.
جمال زاده در باره کشف حجاب چنین نظر می دهد:

³³ بیله دیگ و بیله چغندر، یکی بود و یکی نبود، جمال زاده، ص: 54-55

خداراشکر که ورق برگشته و روزهای فرخنده هفده دی
ماه 1314 ش و رفع حجاب و روزهای خجسته ششم بهمن
1314 و 16 اسفند همان سال در تاریخ احقاق حق زنان
ایرانی، تاریخهای خجسته ای هستند که همیشه در خاطر
ایرانیان باقی و مبارک خواهد بود.³⁴

راه آب نامه: یکی از معروف ترین داستان های جمال زاده است که در این
داستان ظلم و ستم، نابرابری و عدم مساوات ذکر شده است. این داستان مشتمل
بر یک اجتماع است. ولی قهرمان اصلی این داستان روح الله شخصی است که
در خارج از ایران تعلیم حاصل می کرد. یک بار برای شرکت در عروسی
خواهرش تهران (ایران) باز می آید و پس از انجام مراسم عروسی، با مشکل راه
آب روبرو می شود که به جوار خانه او جاری بود و به سببی مسدود شده بود که بعد
از مشاورت مردمان اهل محله به این نتیجه رسیدند که یکی از آن این را مرمت
بکند و پولی که برای تعمیر این صرف می شود بعداً همه مساویاً تقسیم بکنند. ولی
بعد از تکمیل و تعمیر همه کس از آنها از دادن سهم خود انکار کردند و روح الله
که همه اموال خود را صرف کرده بود برای ادامه دادن تعلیم در انگلستان قادر
نشد و سلسله تعلیم را منقطع کرد و علاوه از این چونکه آب آن راه آب در خانه او

³⁴ تصویر زن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: 2

داخل می شود به نتیجه آن یک اتاق خانه اوزمین بوس شد و روح الله خیلی پریشان شد ولی هیچ کس به او توجه ندادند.

در این داستان نویسنده نابرابری جنسیتی را به این طور زیر نظر می گزارد که سبب انکار آنان به این وجه بود که روح الله از یک خانواده متوسط بود و در ایران آن زمان افراد جامعه که بعد از قول، منکر شدند و با او رفتار بد کردند. به نتیجه آن روح الله در مصائب و آلام گرفتار می شود.

تلخ و شیرین: جمال زاده که برای توضیح دادن احوال و اوضاع اجتماع در داستان های خود دسترس کامل داشت و نیز شخصیت های داستان را به طور کلی توصیف داده است، او اوضاع و احوال ایرانیان را در داستان صراحتاً به این طور بیان نموده است که در بین خواننده وضعیت آن زمان منعکس می شود.

همین طور جمال زاده در یک داستان خود (تلخ و شیرین) رسم و رواج ایران را به این طور بیان کرده است که در آن زمان یک روایت در اجتماع ایران رایج بود که وقتی در یک خانواده دختر یا پسر تولد یافت در زمان کودکی اش رشته ازدواج آنان را بایک دیگر متخصص می کنند و این رشته حتمی و لازم می شود و هیچ یک از آنها اجازه نمی دارد که این رشته را که از جانب خانواده اش مختص ساخته شده است انکار بکند.

در این دو خانواده که با هم رفت و آمد هر روز و هر ساعت داشتند از همان روزی که آمنه به دنیا آمده بود او را با پسر

عمویش مرتضی نامژد خوانده بودند و مسئله عروسی آنها
در آینده از قضایای مسلمی بود که به اصطلاح مولای
درزش نمی رفت.³⁵

از این عبارت بالا عدم مساوات و نابرابری جنسیتی به این طور واضح می شود که
رشته ازدواجیت که یک مسئله مهمی و از نازک ترین مسائل زندگی انسان است
و هر کس و ناکس می خواهد که زندگی خود را با رفیق حیات خود با خوشی و
مسرت بسر بکند تا که همه لذت های دنیا را درک بکند. ولی ایرانی ها در این
ضمن بر هر دو جنس یعنی مرد و زن ظلم و ستم می کنند که در زمان کودکی رشته
ازدواجیت آنها را مسدود می کنند و حتی که لازم قرار می دهند.

رشته ازدواجیت یک امر مهمی است که در این هر دو جنس (مرد و زن) باید که
برای مختص ساختن رفیق کود آزاد و خود مختار می باشند که بعد از آشنایی
رشته خود را محکم بسازند تا در آن استقامت هم پیدا بشود. نه این طور که بدون
رضامندی و آشنایی یک دیگر را در رشته ازدواجیت مسدود بکنیم، از این رو
در میان آنها لازم نیست که محبت و الفت پیدا بشود و باهم با آسودگی زندگی
مانده را به تکمیل برسانند.

دارالمجانین: نویسنده در این کتاب انتقاداتی در باب مشکلات اجتماعی و
اختلافات طبقاتی و هم چنین بی تفاوتی و نابرابری جنسیتی سرمایه داران نسبت

³⁵ تلخ و شیرین، جمال زاده، ص: 55

به مشکلات و اوضاع اقتصاد و وضعیت اجتماع را توصیف می دهد و نیز منعکس کننده بیماری های جامعه می باشد که انسان های بی گناه از طبقات متوسط و پائین جامعه که بی بهره از سرمایه مالی هستند در جامعه جایگاهی نداشته اند و عدم مساوات و بی عدالتی که در حق آنها هستند، به این طرز بیان می کند:

(هدایت علی)..... من هنوز به این دنیا که در آن زندگی میکنم اُنس نگرفته ام و حس می کنم که دنیا برای من نیست بلکه برای یک دسته آدم های بی حیا، پررو، گدامنش، معلومات فروش، جبار پادار و چشم دل گر سینه است..... زندگی من همه اش یک فصل و یک حالت داشته و مثل این است که در یک منطقه سرد سیر و در تاریکی جاودانی گذشته است در صورتیکه در میان تنم همیشه یک شعله میشوزد و مرا مثل شمع آب میکند.³⁶

این کتاب که از لحاظ بررسی جامعه شناسی عمده ترین و مقبول ترین است که اوضاع نابسامانی مردم و نیز انعکاس معضلات سرمایه داری را در این عبارت به این طور مورد بررسی قرار داده است که هدایت علی یکی از شخصیت های این داستان است و از طبقه متوسط و پائین متعلق است او خود اوضاع اجتماع ایران را بیان می کند که من در این دنیا هیچ گاه انس و محبت از دیگران نگرفته

³⁶ دارالمجانین، جمال زاده، ص: 125-124

ام که شاید دنیا برای من یعنی غربا و مساکین نیست بلکه برای چند افراد پول پرست جامعه است.

از این عبارت جمال زاده بطور طنز بر جامعه ایران نابرابری جنسیتی را منعکس می کند که در آن جامعه مردم بایک دیگر چطور منقسم شده اند که امراء و رؤساء با غرباء و ساکین چطور بدرفتاری می کنند و آنها را در جامعه هیچ مقام و مرتبت نمی دهند. هدایت علی از میان آن جامعه هم است که از این تفاوت و نابرابری جنسیتی دچار شده است. نویسنده حالات و کوائف آن زمان را بوسیله هدایت علی و دیگران توضیح داده است که بطور کلی وضعیت آن جامعه ایران بر ما آشکار می شود.

هم چنین به جای دیگر نویسنده برای نشان دادن عدم مساوات و نابرابری بین سرمایه داران و ضعفای جامعه و نیز بی تفاوتی قشر مرفه و سودجوی جامعه، این تمام وضعیت و عقاید جامعه را از زبان حاج عمو حسین و پول پرست محمود را در این داستان در تحریر آورده است، چنانچه می نویسد:

..... انسان هر کاری که می کند برای کیفی است که از آن کار می برد. شعراء و عرفاء هم در باب حقیر شمردن دنیا و مدح و ستایش، سخاوت و استغناء طبع سخنان بلند گفته اند. هر وقت کتابی از آنان به دستم می افتد و حرف هایشان را می شنوم به یاد طفلی می افتم که در بچگی همبازی ما بود

و چون هر کدام تویی برای بازی داشتیم و او نداشت و مادر
بیوه فقیرش پولی نداشت تا برایش تویی بخرد، وقتی ما بچه
ها با توپ های خودمان مشغول بازی می شدیم و کسی به
او اعتنا نمی کرد، او هم برای خود در عالم خیال تویی
درست کرده و با دست خیالی مثل دیگران مشغول بازی
می شد و به اندازه ما بلکه بیشتر تفریح می کرد.³⁷

در همین داستان جمال زاده به جای دیگر نابرابری و عدم مساوات و تلف حق را به
این طور ذکر نموده است که پدر محمود قبل از وفات خود با برادرش (حاج عمو)
قول داده بود که محمود را با دختر خود در رشته ازدواجیت مسدود بسازد و به
عوض این قول و قرار همه سرمایه خود را به برادرش (حاج عمو) داده بود و پسر
خود را که کم سن بود در تحویل و نگرانی او داده بود. چونکه حاج عمویک مرد
شکاف و پول پرست بود و به حرص پول عهد و پیمان برادرش را فراموش کرد و
دخترش را به همسری جوانی نالائق داد و محمود را از هر دو یعنی پول و دختر
محروم ساخت. می نویسد:

برادرم! در مدت حیاتم تقدیر نخواست که مادو برادر زیاد
باهم معاشر و محشور باشیم و چون اخلاقمان هم درست
جور نمی آمد و آلماندر یک جو نمی رفت لا بد صلاح هم در

³⁷ دارالمجانین، جمال زاده، ص: 23

همان بود. در این ساعت که چشم می بندم و فرزندم محمود را که تنها چیزی است در این عالم که برایم مانده بتو میسپارم و چون جوان نجیب و با عاطفه ایست امیدوارم باهم بسازید و سعادت مند باشید و با همین آرزو از این دنیا میروم..... و معروف بود از آن پولهای که صدایش را خروس هم نشنیده است بسیار دارد از آن کسانی بود که مال خودشان را بخودشان هم حرام میدانند.³⁸

از این پارچه عبارت نابرابری جنسیتی به این طور منعکس می شود که پدر دختر یعنی حاج عموبه سبب حرص مال و متاع حق دخترش را سلب کرد یعنی برای او همسر مناست و لائق انتخاب نکرد بلکه به همسر جوانی نالائق داد.

و دیگر این که محمود را به عوض مال و متاع برای همسری دخترش اخذ کرده بود و با برادرش قول و قرار کرده بود ولی آن عهد و قرار را فراموش کرد و حق محمود را نیز سلب کرد و نیز او را از خانه دور کرد که به این نتیجه محمود پیریشان و سرگردان شد و بالاخر مجبور و ناتوان شد و برای گذراندن زندگی دارالمجانین را بطور منزل أخذ کرد.

جمال زاده در این داستان بررسی رسوم و آداب زندگی مردم ایران را پردازد و مسائل اجتماعی آن دوره را از دریچه جدید، با تمام خصوصیات، ویژگیها و نقائص از جمله معضلات و فقر فرهنگی، مشکلات مساکین جامعه، نقش

³⁸ دارالمجانین، جمال زاده، ص: 19

پولداران و رشد سرمایه داری را جا به جا به انداز طنز نشان داده است که از آن
عدم مساوات و نابرابری جنسیتی ظاهر می شود.

معصومه شیرازی: این داستان به نام شیخ و فاحشه هم دانسته می شود که در سال
1333 توسط محمد علی جمالزاده اصفهانی نوشته شد و با نام معصومه شیرازی
هم معروف است. این اثر یکی از پند آموزترین و زیبا ترین داستان های معاصر
فارسی است. در این مطلب سعی دارم ضمن معرفی اجمالی این داستان زیبا،
نابرابری و تفاوت جنسیتی و عدم مساوات را به مطالعه گنجینه داستان های کوتاه
ادبیات معاصر فارسی تشویق بکنم.

داستان از این طور شروع میشود که در زمان های قدیم خانواده ی کوچک و فقیر
معصومه که از دار دنیا همین یک دختر را داشتند تصمیم میگیرند که به پابوس امام
هشتم بروند. معصومه با پدر و مادرش در یکی از روستاهای اطراف شیراز
زندگی میکردند. زندگی آنها اگر چه فاخر و خاص نبود اما سرشار از امید بود.
معصومه قرار بود به زودی عروس یکی از هم ولایتی هایش بشود. آنها عاشق و
دلدادده ای هم بودند، قرار شد. بعد از بازگشت معصومه و خانواده اش از سفر
مشهد، بساط عروسی را راه بیندازند. در راه مشهد کاروان با اسب ها و شترها
حرکت کرد. روزها میگذرد و مادر معصومه به شدت بیمار میشود. در نزدیکی
های نیشابور راهزنان به کاروان آنها حمله میکنند و همه دارایی کاروان را با خود
میبرند. مادر معصومه که بین راه می رود و پدرش هم رنجور و ناتوان و بدون هیچ

پولی در راه می ماند. خلاصه اینکه آخر دست پدرش را هم از دست می دهد و دخترک بینوا و بیچاره تنها ماند که در همین ایام آنجا کلانتر قلچماق شهر معصومه را برای بدکاری می برند و او را مجبور به همبستر شدن با مردان در ازای دریافت پول میکنند. زندگی غمبار و نکبت بار معصومه از همین جا اوج می گیرد. او کم کم در بین مردان عیاش شهر نیشابور تحت نام معصومه شیرازی یا معصومه خوشگل شهرتی به هم میزند و در اینکار جامی افتد. شبی او را به خانه ی یک مُلا میفرستند. مُلا یا همان شیخ شهر بر خلاف ظاهر مردم فریض بسیار عیاش بوده و معصومه قسم می خورد که تا به حال مردی و قیح تر از او ندیده بود. بدتر از همه اینکه شیخ معصومه را وادار به خوردن شراب کرد. هر چه معصومه از خوردن شراب امتناع می ورزید شیخ با سختی اصرار می کرد و به او شراب میداد. در اوج جوانی گوشه نشین و بیمار می شود. دیگر قادر به ادامه ی کار گذشته هم نبوده و لذا به شدت فقیر می گردد. زنی رنجور، بدنام، بیمار و فقیر معصومه ای که دیگر هیچ وقت روی شهر و دیار و دلدارش را ندید. و حتی دیگر جرأت نمی کرد خودش را در آئینه نگاه کند. زن قصه ی ما را از خانه ی اجاره ای اش بیرون می کنند. مردم می گفتند او یک فاحشه است و جودش نکبت بار است. باید او را بیرون انداخت.

اما یکی از رهگذران بدتر از همه حرف ها و نفرین های سوزنده تری نثارش می کرد. می گفت این فاحشه ی مست بی آخرت را باید کشت و در زباله دان شهر می انداخت تا برای بقیه عبرتی باشد. چقدر صدای این مرد برای معصومه آشنا بود. با همان حال بد هم توانست این صدارا بشناسد آری این صدای همان شیخ

وقیح بود، غروب شد. معصومه کنار کوچه افتاده بود. مرد حکیم و مهربانی که در نیشابور به عمر خیام معروف بود بالای سر معصومه آمد. او را به باغ خود برد و سعی کرد تیمارش کند. اما کار از کار گذشته بود. همه ی این قصه ها را معصومه در صحرای محشر برای خدا تعریف کرد. گریست و برای خدا تعریف کرد که چگونه فاحشه شد. چگونه شیخ به او ظلم کرد.

عدم مساوات و نابرابری در این داستان بطور کلی واضح می شود. مردم اولاً او را برای فعل بد مجبور می کنند و بعداً در حق او جملات نازیبا مانند فاحشه و نکبت باز می گویند.

یک رباعی از عمر خیام در این ضمن لازم است که در رشته تحریر بیاورم که از لحاظ مقام و موضوع مناسب است.

شیخی به زن فاحشه گفتستی

هر خطه به دام دگری پابستی

گفتایشنا هر آنچه کوی هستم

آتا تو چنانکه می نمایی هستی³⁹

³⁹ رباعیات خیام

نتیجہ گیری



نتیجه گیری

جمال زاده که یکی از داستان نویسان معاصر فارسی به شمار می آید. او اولین کسی است که ساختار نوینی را در ادبیات فارسی وارد کرد و نیز با سبک و ساختار داستان به موضوع و مضامین آن هم توجه کرد و در داستان های خود آن مضامین و موضوع جدید را که از غرب مأخوذاند، بیان کرده است که کمتر نویسندگان و سخنوران به این طرف توجه کرده اند. زبان داستانهایش ساده و نزدیک به زبان مردم عامه است.

جمال زاده که با نوشتن داستان های کوتاه به عنوان پدر داستان کوتاه معروف است، علاوه بر این داستان های بلند و آثار دیگر هم به رشته تحریر در آورده است اما توانایی او بیشتر در داستان های کوتاه دیده می شود. جمال زاده در آثار خود مسائل اجتماعی و سیاسی را نشان داده است منجمله از آن مسئله زنان و عدم مساوات و نابرابری مرد و زن است که در داستان های او جا به جا تذکر داده شده است.

جمالزاده در نوشته هایش به بیان وضعیت ناهنجاری اجتماع و فقر و فساد، ظلم و ستم حاکمان و شورش و فتنه اجتماع و مسائل و مشکلات زنان ایرانی و جایگاه اجتماعی آنان و نیز عدم مساوت را در داستان های خود اشاره کرده

است و برای حل این مسائل و مشکلات کوشش بسیاری صرف نموده است زیرا که جمال زاده مشکلات آنان را از نزدیک ملاحظه کرده بود. همواره بر لزوم احترام به زن و حقوق او بسیار تاکید ورزیده است. طوری که از آثارش عیان است. او در بیشتر نوشته هایش توجه ما به جانب این مسائل جلب کرده است. و ما را به توسط داستاهایش درس داده است که بدون ایشان یک اجتماع صحت مند و خوبی نمی توان بوجود بیاید.

یکی از مهم ترین ویژگی های جمال زاده ان است که از آثارش این برمی آید که او مسائل و مشکلات اجتماع را بطوری پیش خوانندگان می آورد که وی کبیده خاطر نمی شود. و در دلش برای حل این نوع مشکلات تشویقی ایجاد می شود.

بخش اصلی این مقاله عدم مساوات بین مرد و زن است که دیدگاه های مختلف جمال زاده در ضمن این اختصاص داده شده است. و نیز عدم مساوات و نابرابری جنسیتی را جابه جا مورد نقد و بررسی قرار داده شده است که جمال زاده در آثار خود این مسائل را ذکر نموده است.



کتابیات



کتابیات

منابع اساسی:

1. جمال زاده، محمد علی، تصویر زن در فرهنگ ایران، 1357
2. جمال زاده، محمد علی، خاطرات جمال زاده، (به کوشش ایرج افشار و علی دهباشی)، چاپ اول، انتشار سخن، تهران، 1378
3. جمال زاده، محمد علی، دارالمجانین، چاپ سوم، تهران، 1333
4. جمال زاده، محمد علی، صحرای محشر، چاپ دوم، تهران،
5. جمال زاده، محمد علی، معصومه شیرازی،
6. جمال زاده، محمد علی، یکی بود و یکی نبود، ناشر بنگاه پروین، 1320
7. جمال زاده، محمد علی، تلخ و شیرین (به کوشش علی دهباشی)، انتشار سخن، تهران، 1379
8. جمال زاده، محمد علی، راه آب نامه، چاپ دوم، ناشر معرفت، تهران
9. جمال زاده، محمد علی، سرو ته یک کرباس، چاپ سوم، انتشار سخن، 1389
10. جمال زاده، محمد علی، قتلشن دیوان (به کوشش علی دهباشی) چاپ اول، انتشار سخن، 1379
11. جمال زاده، محمد علی، قصه مابه سر رسید، چاپ سوم، انتشار سخن، تهران، 1386
12. جمال زاده، محمد علی، هفت کشور (به کوشش علی دهباشی)، چاپ سوم، انتشار سخن، 1388

منابع ثانوی:

1. احمدخان، نیاز، جنبه اجتماعی دررمانهای فارسی، کتابستانن جندواره، بهار
2. احمد، ظهورالدین، نیاایرانی ادب (اردو)، الم مطبعة العربیه، لاهور، 2000
3. افشار، ایرج، نثر فارسی معاصر، انتشار معرفت، چاپ سوّم، تهران، 1330
4. آرین پور، یحی، از صباتانیمما، جلد اول، تهران، زوّار، چاپ نهم، 1387
5. آرین پور، یحی، از صباتانیمما، جلد دوّم، تهران، زوّار، چاپ نهم، 1387
6. آرین پور، یحی، از نیماتاروز گارما، تهران، زوّار، چاپ پنجم، 1387
7. آژند، یعقوب، ادبیات نوین ایران، تهران، امیر کبیر، 1373
8. آژند، یعقوب، تجدد ادبی در دور مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی،
1383
9. بهارلو، محمد، گزیده آثار جمال زاده، تهران، آروین، 1375
10. پارسی نژاد، کامران، نقد و تحلیل ویرگزیده داستان های جمال زاده، تهران، روزگار، 1385
11. پاملا آبوت، کلر والاس، جامعه شناسی زنان، (ترجمه: منیژه نجم عراقی) چاپ یازدهم، 1393
12. تقی بهار، محمد، دیوان ملک الشعراء بهار، چاپ اول، تهران،
13. تقی بهار، محمد، ملک الشعراء، سبک شناسی، جلد سوّم، امیر کبیر، تهران، 1337
14. دستغیب، عبدالعلی، نقد آثار محمد علی جمال زاده، چاپ اول، تهران، 1356
15. ستاری، جلال، سیمای زن در فرهنگ ایران،
16. طالبوف، عبدالرحیم، کتاب احمد، جلد: 1

17. قاسم‌زاد، محمد، داستان نویسان معاصر ایران، تهران، هیرمند، 1383
18. ک. ای. چابکین، شرح مختصر ادبیات فارسی،
19. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران
20. کمالی، علی، مقدمه بر، جامعه‌شناسی، نابرابری‌های اجتماعی، تهران،
21. مراغه‌ای، زین‌العابدین، حاج، سیاحتنامه ابراهیم بیگ، ج: 1
22. ملک‌زاد، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد اول، تهران، 1327
23. میر صادقی، جمال، واژه‌نامه هنر داستان نویسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب
مهنان، 1377
24. میر صادقی، جمال، نگاه کوتاه به داستان نویسی معاصر ایران، چاپ دوم، معرفت،
تهران، 1357
25. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران (اول و دوم)، انتشار بنیاد
26. یاحقی، محمد جعفر، جویبار لحظه‌ها (ادبیات فارسی معاصر) چاپ چهاردهم، نماد، 1391
27. یاحقی، محمد جعفر، چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی) چاپ دوم، نیل، 1375
28. یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، جلد دوم، چاپ دوم، مشهد، انتشارات
علمی، 1357
29. H. Kamshad, Modern Persian Prose Literature, Cambridge, 1966
30. پیام‌نو، سال اول، شماره 2

31. دهباشی، علی، بزرگ داشت جمال زاده،

32. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ فارسی معین،

33. شیبانی، ابراهیم و زهرا افشاری، نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران، مجله

تحقیقات اقتصادی، شماره 62، بهار و تابستان، 1382

34. علوی، بزرگ، مصاحبه با شفیع کدکنی، دنیای سخن، فروردین

35. مجله کیهان، مصاحبه، جمال زاده، سال 1372

Gender Inequality in the Works of Jamal Zadeh

عدم مساوات بين مرد و زن در آثار جمال زاده

(Adam-i Musawat bain-i Mard wa Zan dar Asar-i Jamal Zadeh)

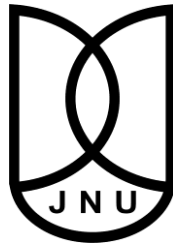
Master of Philosophy

Submitted by

MOHAMMAD SALIM

Under the Supervision of

Dr. SK. ISHTIAQUE AHMED



Centre of Persian and Central Asian Studies

School of Language, Literature & Culture Studies

Jawaharlal Nehru University

New Delhi-110067

2016
